نفر حداقلی است که برای این کمیسیون تصویب شده است اگر بناشود شش نفر هم ازبین این عده حاضر نشوند این کمیسیون فایده نخواهد داشت پس عقیده بنده اینست که هریك ازآقایان استعفا میدهند قبول بفرمایند وعوض آنهارا انتخاب نمایند واگر استعفای آنها را قبول نکنید همان قسمی که عرض کردم خواهد شد .

فهیم الملك — بنده بکلی برخلاف قبول کردن استعفا هستم و عرض می کنم آقایان تا مدتی که اینجا تشریف دارند باید مشغول خدمت باشند وهر خدمتی که بآنهارجوع میشود انجام بدهند بنده نمیدانم برای چه استعفامیدهند اگرخیال خدمت کردن ندارند که بفرمایند والا باید قبول کنند و مجلس هم نباید استعفای آنها راقبول کند.

ناصرالاسلام - این آقایانیکه استعفامیدهند همانها هستند که درمجلس بودند و تصویب کردند که عده (۱۲) نفر باشد وکمیسیون هم زودتر تشکیل شود وحالا نمیدانم چه شده است که هر کدام استعفا میدهند این کمیسیون باندازه مهم است که از هر کمیسیونی فعلا اهمیتش بیشتر است آقایان برای اینکه در کمیسیونهای دیگر عضویت دارند از عضویت این کمیسیون استعفا میدهند بنده عرض میکنم فرضاً رفتید و در یك کمیسیون نشستید و مذاکره کردید ومثلا امتیاز نامه کارخانه صابون سازی راتصویب نمودید این چه حاصلی خواهدداشت باید کارها هر کدام که مهم است بر سایرین مقدم بداریم وامروز میدانیم که امرنان و غیره از سایر کارها باندازه اهمیتش بیشتر است واصلاحش فوری است دیگر نمیدانم آقایان برای چه استعفا میدهند.

کاشف - بنده لازم شد در مقابل اظهارات آقای وزیرزاده وسایر آقایان علت استعفای خودرا عرض کنم چون بنده مدتی است در صدد گرفتن اجازه مسافرتی هستم وکسانیکه در این کمیسیون هستند بایدحواسشان جمع باشد وچنانچه این عضویت را قبول می کردم وبعد اجازه می گرفتم اسباب تعویق کار کمیسیون میشد از این جهة استعفا دادم

نایب رئیس - حضرتعالی فعلا قبول بفرمائید وقتیکه مجلس بشما اجازه مسافرت داد استعفای خودتان را تقدیم نمائید آن وقت یکنفر انتخاب می شود .

تقی زاده — برای اینکه از استعفامذاکره شد بنده هم لازم می دانم در این خصوص عرض کرده باشم در ابتدای دوره اجلاسیه و سر آمدن دوره کمیسیونها بنده عرض کردم بنده را در دو کمیسیون انتخاب ننمائید پذیرفته نشد با وجود اینکه هر کس آزاد است که هر که را دلش میخواهد انتخاب نماید در صورتیکه آن وقت علت استعفای بنده عذر مزاجی نبوده و فعلا که مشغول معالجه هستم وعذر مزاجی دارم استعفای بنده را قبول نمی کنند در صورتیکه در دو کمیسیون هم فعلا مشغول هستم واینجا هم نبودم قبل ازوقت عرض کنم بنده را انتخاب نکنند حالا اگر مجلس استعفای مرا قبول نمینماید باید بیشتر از این کار بکنم خوب است عوض بندورا در یکی از این کمیسیونهای دائمی که بنده عضویت دارم و کارشان بیشتر است انتخاب نمایند .

وکیل التجار - بنده خواستم عرض کنم مسئله قبول استعفاوعدم قبول همیشه مدتی وقت مجلس را تضییع می کند بنده نمی دانم علت اینکه نباید استعفا را قبول کرد چیست البته تا عذر موجهی نداشته باشند اظهار استعفانمیکنند ووقتی که اظهار میکنند معلوم می شود عذری دارندوعقیده بنده این است که در این باب یك ماده پیشنهاد شود که تکلیف این استعفاها رامعین نماید وهمیشه آنقدر وقت مجلس را تلف نکنند .

نواب - علت استعفای بنده اینست که در سه کمیسیون عضویت دارم و بیشتر از این هم وقت ندارم ولی اگر سایرین استعفای خودرا مسترددارند وبرای بنده هم وقتی ایجاد شود استعفای خود را مسترد میدارم .

ارباب کیخسرو - آنروزیکه آقای تقی زاده را برای کمیسیون مالیه انتخاب کردیم خودشان گفتند بنده را برای کمیسیون فوق العاده داشته باشید که انتخاب نمایند ولی چنانچه حالا مشغول معالجه هستند نمی شود استعفایشان را قبول نکرد.

نایب رئیس - خوب فعلا دونفر انتخاب می شود یکی بجای آقای تقی زاده ویکی بجای آقای مؤتمن الملك .

[ورقه توزیع وآقایان صدر العلماء حاجی آقا آقاشیخ محمد خیابانی بقرعه معین شدند و اوراق را باطاق دیگر بردند که استخراج نمایند .]

نایب رئیس - پریروز گفته شددو کمیسیونی که برای مسئولیت وزیر در بار بتقاضای آقای مؤتمن الملك تشکیل شدآقایانیکه عضویت آن دو کمیسیون را دارا هستند حاضر نشده هیئت رئیسه خودرامعین نمایند معلوم می شود هنوز هیئت رئیسه خود را معین نکرده اند خواهش می شود که بعداز مجلس این دو کمیسیون را منعقد نموده هیئت رئیسه خودرامعین نمایند ومشغول کار شوند فردا سه ساعت بغروب جلسه خصوصی خواهدشد دستورجلسه آتیه راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون محاسبات عمومی بودجه مجلس بقیه شور در کلیات امتیازنامه کارخانه صابون سازی .

نواب — گویاازطرف هیئت وزراء اظهاری شده است برای مستشارهای خارجه مدتی بود تصویب می کردند که آن از طرف هیئت رئیسه بمجلس خواهد آمد وهنوزنیامده است باینجهة عرض می کنم چون این مطلب بنظر بنده خیلی اهمیت دارد هر قدر زودتر اقدام شودبهتر است .

نایب رئیس — قراربود این لایحه را وزیر مالیه بمجلس بیاورند وچند روز پیش که بنده ایشان راملاقات کردم گفتندخواهم آوردوهنوز نیاورده است .

سلیمان میرزا — بنده تصور می کردم هر قدر ازقوانین عدلیه زودتر بگذرد بهتراست و امروز قانون ثبت اسناد که از کمیسیون عدلیه مدتی است راپورت داده شده اگر بگذرد نصف کارهای عدلیه آسان خواهد شد باین جهت تقاضامی کنم که جزء دستور منظور شود .

نایب رئیس — دراین باب هنوز از کمیسیون راپورت داده نشده .

آقای میرزا اسمعیل نوبری — بنده می خواستم عرض کنم کمیسیون (۱۲) نفری که امروز انتخاب شد خیلی اهمیت دارد واشخاصی که درسایر کمیسیونها عضویت دارند ودر این کمیسیون هم انتخاب شده اند و نمی توانند بجهة کمیسیون درآنها حاضر شوند درآن موقع از آن کمیسیونها معاف می باشند بجهة اینکه این کمیسیون مقدم بر همه است وبنده باین کمیسیون خیلی اهمیت می دهم ودیگر فردا چهارساعت بغروب مانده حاضر شوند برای تعیین هیئت رئیسه .

(گفتند شماخوب است ظهرحاضر شده هیئت رئیسه کمیسیون را انتخاب نمائیم)

نایب رئیس - اگر بتوانید خیلی خوب است والاعصر هم ممکن است که قبل از مجلس خصوصی حاضر شوند .

[مجلس دوساعت ازشب گذشته ختم شد]

جلسه ۹۳

صورت مشروح روز سه شنبه هفتم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸

مجلس دوساعت ونیم قبل ازغروب آفتاب درتحت ریاست آقای مستشارالدوله تشکیل شد صورت جلسه روز شنبه (٤) را آقای معاضدالملك قرائت کرد.

رئیس - راجع بصورت مجلس ملاحظهٔ هست ؟

دکتر علیخان - بنده میخواستم عرض کنم در صورتی که ساعت انعقاد در صورت مجلس معین شده این تأخیر از کیست علت آن از هیئت رئیسه است یا از غیرایشان و تابحال چندین مرتبه در این خصوص مذاکره شده ونتیجهٔ نبخشیده است.

رئیس - از ساعت چهار بغروب مانده هیئت رئیسه همیشه حاضر است و متصل سئوال میشود که عده کافی است یا خیر میگویند از برای مذاکره هم کافی نیست و علاوه بر این که مجلس خیلی از اوقاتش تلف می شود درغالب کمیسیونها هم بواسطهٔ غیبت اعضاء و حاضر نشدن در سر وقت آنطوری که باید در کمیسیونها کار بگذرد نمیگذرد مخصوصاً امروز رئیس کمیسیون بودجه شکایت داشت که ازآن روزیکه عدهٔ کمیسیون بودجه (۱۸) نفر شده است هیچوقت عده برای اینکه اخذ رأی شود کافی نشده و صورت حاضر وغایب راهم بادارهٔ مباشرت دادند گمان میکنم که آقایان باید یکقدری ملتفت باشند ماکه اینجا آمده ایم جز کار کردن وظیفه دیگری نداریم و باید آقایان بدانند که درسر وقت باید حاضر شوند .

حاجی آقا — بنده عرض میکنم اگر مجلس روزنامهٔ رسمی میداشت تمام این نواقص رفع میشد بجهت اینکه تمام اینها برای این است که صورت حاضر و غائب دریك روزنامه درج نمیشود.

رئیس — علاوه بر اینکه وقت ما کم است به شکایت اینکه چرا دیر میآیند و سروقت حاضر نمی شوند خوب است آقایان محترم وقت مجلس را تلف ننمایند ، [تلگرافی از اردوی اردبیل بامضای مسیو یفرم خان وسردار بهادر قرائت شد.]

رئیس — این دفعه اول است که بحمدالله در ایران دیده میشود که یك اردوی نظامی بعدازچندین

ماه که خیلی خدمت کرده اند و مأموریتهای خیلی عمده‌را بسهولتهای خیلی حیرت‌انگیز انجام داده و راپورت خدمات خودرا مفصلا باین خوبی نوشته و بمراکزامور فرستاده‌اند البته همگی‌ازاین اقدامات و خدمات‌این اردو تشکر خواهیم کرد و علاوه بر امتنانات و تشکرات سابق‌که از خدمات آنها شده است البته مجلس هم بآینده موافقت خواهد کرد که امتنانات‌خودمان‌را اخیرآبسرداران‌اردو مخابره‌نمائیم (گفتند صحیح‌است)۰

معاون‌وزارت پست‌وتلگراف - مسئلهٔ که درخصوص (مسیو آرنستنبو) مذاکره شده بود و کاغذی هم در این باب از وزارت‌پست‌وتلگراف عرض شد که تقاضا کرده بودند امروز آن قرارنامه خوانده شود و از مجلس بگذردکه تکلیف اومعین شود و پس‌فردا قرارنامه باو داده شود۰

اسدالله‌میرزا - پریروز در مجلس قدری مذاکره شد و چند امرمهم پیش‌آمده‌بود که‌یکی‌از آنجمله‌مسئله‌امرنان بودکه‌موجب‌تشویش‌وتزلزل‌خاطر عامه‌شده‌بود ویکی‌هم‌مسئله‌عدلیه‌بودکه بعضی‌شکایتها بحضرت‌اقدس‌آقای‌نایب‌السلطنه‌وسایراولیای‌اموررسیده بوددراینکه‌ترتیب‌عدلیه‌منظم‌نیست‌و بعضی‌هاهم‌ازرؤسای ادارهٔ اجرا شکایت داشته بودند ویکی‌هم در باب انتشاراتی بودکه درین شهرداده بودند وبعقیدهٔ‌بنده اینمسئله‌ازتمام‌آنهابیشتراست‌مثلا انتشارات‌داده بودند که‌مجلس‌عوارضات وضع‌میکند ومالیاتهاخواهدگرفت حتی اینکه اززنهای شما هم عوارضات میگیرنـد و طوری اذهان مردم را مشوش کرده بودند که خیـال میکردند این‌وکلائی‌که آمده‌اند واینجانشسته‌اندواقعاً دشمن‌آنها هستند در صورتیکه اینطور نیست و کلاء هیچ‌مقصودی نـدارند جزخیر خواهی عموم و ترفیه حال آنها این‌بودکه پریروز بنابر این‌که از وظایف مجلس شورایملی نظارت در امور اجرائیه و مراقبت آسایش عامه است مجلس تصویب‌کرد که یك هیئت (۱۲) نفری بطور فوق‌العاده برای اطلاع این‌امور از آقایان نمایندگان‌انتخاب شدند وچون آقای‌رئیس بینده فرموده‌اند که یك‌راپورت مختصری ازاقدامات آن‌هیئت (۱۲) نفری بعرض نمایندگان برسانم این است‌که مزاحم میشوم پریروز که‌آن هیئت را انتخاب کردند بعداز آنیکه جمع‌شدند وهیئت‌رئیسه‌خود را انتخاب نمودند ابتداء چندشعبه‌انتخاب کردند یکشعبه مخصوص نان‌که بروند رسیدگی کنند وببینند گندم بقدر لزوم خریده شده است یانخیر واز تقلباتی‌که در آن‌خصوص میشود جلوگیری نمایند آن هیئت آقـای معاضدالسلطنه آقـای میرزا اسمعیل نوبری آقـای منتصر السلطان شاهزاده سلیمان میرزا بودند و از آنساعت‌که معین‌شدند باکمال فعالیت مشغول‌اقدامات گردیده وبحمدالله امر نان دیروز وامروز خیلی‌خوب شده است و امیدوارم تـاسر خرمن همینطور پیش برود وبعد ازآنی‌که این هیئت درمقام این برآمدند کهٔ‌ببینند گندم بقدر لزوم تهیه شده است یانخیر معلوم شده است وزارت داخله از آن حرصی که داشتندکه گندم ازهمه‌جا بخراهند تلگرافات‌عدیده‌بنقاط مختلفه مخابره نموده وگندم زیادتر از مأخذ خریداری شده وبنده تصدیق میکنم آن‌هیئت راکه اگر در اینباب که‌یك ضرری از این راه متوجه دولت بشود بـرای این‌است که امرنان اصلاح شود واسباب رفاهیت‌اهالی فراهم بیایـد ویکشعبه پنجنفری انتخاب شد بـرای رسیدگی بشکایاتی‌که راجع بعدلیه رسیده بود و آن هیئت آقای آقاشیخ اسمعیل هشترودی و آقای آقا شیخ‌ابراهیم زنجانی‌وآقای ذکاء الملك وآقای کاشف وبنده بودیم‌این پنج‌نفر پریروز رفتند بوزارت‌عدلیه وبا حضور وزیر عدلیه قدری مذاکرات کردند اولا اهمیت اینمسئله‌براحدی پوشیده‌نیست وبجهت‌زیادتی شکایات آقای نایب‌السلطنه‌هم‌فرمودند که‌بایدرسیدگی دراین مسائل بشود ومجلس‌هم تصویب کردنداز برای اینکه دراینموقع مهم تمام اجزای عدلیه متهم‌نشوند زیـرا بعضی اشخاص هستندکه میآیند اظهارشکایت میکنند درصورتیکه باتمام‌اعضاء عدلیه‌بد هستند واین ممکن‌است که‌اسباب‌اتهام‌عموم‌اجزاء بشودو آنهاهم‌شاید استدعاشان این است که رسیدگی شود و اگـر اشخاصی هستند که باید مجازات‌شوند آن اشخاص معلوم شده سایرین از اتهام بیرون‌بیایند این بود که آن هیئت پنج نفری اهمیت این مسئله را در نظر گرفته و بـا وزیر عدلیه مـذاکره کـرده صلاح در این دیـدند که بعده این پنجنفر افـزوده شود چون بعضی شکایتهای دیـگر هست بعضیها از امور اداره‌های عدلیه و بعضیها راجع بامور اثائیه عدلیه است و یك محل مخصوص هـم برای اینکار معین شده‌ودر کمیسیون مذاکره شدکه اگر مجلس تصویب نماید هفت نفر براین پنجنفر افزوده‌شود که دوازده نفر شوند و با تصویب مجلس و اجازه آقـای نایب‌السلطنه بروند بنشینند واعلان کنند که این هیئت از طرف مجلس شورای ملی که مرکز اموراست معین شده اند که‌رسیدگی بشکایات راجع بعدلیه بنمایند و مقصدی جز ترفیه حال عامه‌ندارند و یك همچو هیئتی نشسته اند و حاضرند برای رسیدگی بشکایات و بعدازتحقیق اگر واقعامعلوم شدکه این شکایات اصلی دارد و عیبی در اساس عدلیه است راپورت آنرا بمجلس بدهند تـا بعداز آن مجلس یـك ترتیبی را معین کند که در آن مواد محاکمه‌کرده مقصرین را معلوم و بمجازات برسانند این است‌که ازمجلس تقاضامی‌شود که‌آن هفت‌نفر را اگر بشود باین عده بیفزایندکه بروند در نقـطه معین‌که برای این‌مسئله معین‌شده‌بنشینند و رسیدگی نمایند ولی در این مسئله یـك‌شرطی ملحوظ است و آن این است که وزراء کـمال همراهی را بنمایند کـه دیـگر بعضی انتشارات و صحبتها در خارج نشود و قوه مجریه مکلف باشد که اگر درکوچه ها از این باب صحبتی شود بآنها بگویند که محلی‌برای رسیدگی اینکارمعین شده است و اگر دلیلـی در دست داریـد برویـد در این محضری‌که از طرف دولت و ملت معین شده است اظـهار شکایت کنید و آنها رسیدگـی خواهند نمود حالا اگر صلاح است این عده که تقاضا شد انتخاب شودکه بر آن هیئت افزوده‌شده بروند مشغول شوند و آن هیئتی که بـرای نـان منتخب شده‌اند اگر راپورت مفصل آنرا بخواهید یـکی ازآن چهارنفر حاضرند که اقدامات‌خودشان را مفصلااظهار بدارند تا خاطر آقایان نمایندگان مسبوق‌باشد۰

معاضدالسلطنه - در مسئله گندم واصلاح امرنان وترتیب رفتن بوزارت‌داخله وتحقیقـات‌آنرا یك مختصری شاهزاده اسدالله‌میرزا فرمودند ولی لازم است یکقدری مفصل‌تر عرض شود که تقلباتی که از این راه می‌شود معلوم شود واین هیئت هم مشغول اقدامات و جلو گیری هستند که‌بزودی دفع این تقلبات بشود اولا گندم باندازه‌ای‌که برای‌این شهرلازم‌است‌تاسرخرمن حساب‌شدچون‌بیست‌روزدیگر جوبدست‌می‌آیدویکماه‌دیگر گندم‌بدست‌میآیدیازده هزارخروار گندم‌لازم‌دارنددرصورتیکه‌متجاوزازچهل هزارخروار گندم‌چه‌ازعراق‌وچه‌ازساوه وچه اززنجان خریداری شده ویك قسمتی از آن آمده بقیه هم وارد می شود وتا سرخرمن بخوبی کفایت خواهد کرد ولی چیزی که هست این است بعد از آنی‌که رسیدگی شد معلوم شدکه تقسیم گندم هیچ ترتیب صحیحی نداشته است مثلاروزی چهل بار گندم یا پنجاه بار گندم وارد میشد و هیچ معلوم نمی‌شدکه بکجامی‌رود هرکس رفیق‌داشته است باو می‌داده است وباز که تحقیق کردیم معلوم شدآنچه راکه‌از دروازه بیرون می‌بردند عین آنرا برنمی‌گرداندند همینطور میرفته است وآنها درخارج باشخاص می دادند وبمصرف صحیح نمی‌رسیده است حالا قرار شد که روزی دوخروار بسفارت روس درزرگنده و روزی دوخروار برای‌سفارت انگلیس‌درقلهك‌روزی دو خروار برای تجریش روزی شش خروار برای حضرت عبدالعظیم و بعد یك قراری هم داده شده است که جلوی آن تقلبات گرفته‌شود و فردانتیجه آن‌اینجامذاکره‌خواهدشد که بکلی جلو گیری شود از تقلباتی کـه شده ودیگر مردم بعسرت نیفتند و یك مسئله دیگر که خیلی‌اهمیت دارد اگرچه‌خارج از موضوع است ولـی لازم است عرض کنم وآن این است که در میان مردم بعضی انتشارات شیوع دارد که مابین وکلاء یك اتفاق تامی نیست بنده می‌خواستم این مسئله را اینجا مذاکره کنم که در امور سیاسی وپلتیکی وکارهای عمده مملکت و راجع باستقلال مملکت است هیچ معاندت ونقاری بین وکلاء نیست‌وتمام آنها یك‌رأی ومتفق‌هستند وغیر از یکنفر نیستند و باید این مسئله تصریح شود کـه مردم بـدانند ابـداً این طـور اختلاف بین وکلاء نیست و آنهائیکه می خواهند این مسئله را وسیله اغتشاش مملکت و نیل مقصود خود قرار بدهند بکلی بدانندکه‌وکلا در تمام‌مواقع که حاضر شده‌اند برای خدمات ملیه در حفظ خاك و آب مملکت‌خودشان هیچ اختلاف نخواهندداشت مثل این است‌که بمنزله یك نفر باشند وعموماًبیك کلمه واحده متفق خواهندبود۰

رئیس - این‌تقاضای افزودن هفت نفردیگر بر ۱۲ نفرکه تقاضاشد اگرمجلس تصویب‌مینماید باشد برای آخرجلسه۰

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — بنده عرض می کنم که خیلی لازم است برای اینکه کار خیلی زیاد است واعضاء هم‌زیاد لازم دارندوبایددو شعبه شود تا اینکه بکارها برسند۰

رئیس — روز اول هم‌گفته شد که این۱۲ نفررا انتخاب میکنیم وبعدهر قدر لازم شد ثانیاً بر اینها افزوده میشود۰

آقا شیخ اسمعیل هشترودی — ایـن

(۷) نفر بعداز آنی‌که انتخاب شد داخـل آن کمیسیـون خـواهند شد و بعـد در آنجا تقسـیم مـی شود۰

رئیس — معلوم است همین قسم خواهد شد حالا رأی میگیریم دراینکه ببینیم مجلس‌تصویب‌می کند (۷) نفر به(۱۲) نفر افزوده شودیانخیر۰ (مجلس گفتند ۶ نفرکافی است)

رئیس — رأی می گیریم در اینکه (۶) نفر بر عده اعضاء کمیسیون فوق‌العاده افزوده‌شود کسانی‌که تصویب میکنندقیام نمایند (اغلب قیام نمودند وباکثریت‌تصویب‌شد)۰

رئیس — باکثریت تصویب شد در آخر جلسه انتخاب میشود چون آقای وزیر علوم برای جلسه وزراء تشریف خواهندبرد اینست که‌مذاکره در امتیازنامه صابون‌سازی رامقدم میداریم(راپورت قرائت شد)

رئیس — شور در کلیات است در خصوص کلیات هرکس مخالف است اظهارنماید۰

حاجی آقا — این مسئله‌امتیاز تقریباًحالا سه مرتبه است‌که شور در آن شده است و نتیجه گرفته نشده وبیش‌ازآنقدریکه لزوم بوده‌مذاکرات شده است وبواسطه‌این که وزیر فوائد عامه‌تشریف نداشتند و کمـان‌می کنم‌که امروز هم بهمان‌اندازه مذاکره بشود بنده هم لازم دانستم عرایض سابق خود را در حضور وزیر فوائد عامه تکرار کنم که مستحضرشوندوا درچیزی‌نظرشان میرسدبفرمایند بنده امتیاز انحصاریت مطلبی را که راجع بتجارت وصنعت است بشخص خاصی در یك مملکتی کـه آزادی‌تجارت برای همه‌باشدخاصه دراصل‌مشروطیت که بایدتمام مردم درتمتع ازاین‌آب وخاك‌واستفاده ازسرمایه خودشان امیدوار باشند خصوصا با وضع امروزی که تمام مردم برخلاف دوره سابق امیدها دارندکه‌سرمایه خودشان‌رابکاربیندازند واز سرمایه خودشان استفاده نمایند موافق‌صلاح امروزه‌مملکت نمی‌دانم انحصار یعنی کسانیکه ازاین‌راه می‌توانند فایده ببرند وسرمایه خود را بکار بیندازند‌ممنوع هستند از این که در آن صنعتی که بیك شخص منحصر است اقدام‌نمایند واین‌بدیهی است کهاصولا منافی آزادی تجارت است امروز یك ورقه‌ازطرف صاحب این امتیاز بعنوان رفع اشتباه نوشته بو کلا داده شده است و بعد داخل در این مذاکره شده است که وکلا مقصود مرا ملتفت نشده اند و رای ایشان اشتباه شده است بنده عرض میکنم ابداً بر وکلااشتباه نشده‌است‌آنهائیکه مخالف بااین‌امتیازند اصلا بااساس انحصارمخالف اند وانحصار یك‌صنعتی وتجارتی را بیك نفر مخالف اصول آزادی‌تجارت میدانستند اختصاص باین فقره ندارد امایك چیزی که خودش درآخر این لایحه نوشته است‌وبعضی‌از آقایان هم میفرمایند بجهة تشویق وترغیب اینکه مردم میتوانند سرمایه خودشان را دراین راه‌بکار بیندازند باید مایك انحصاری بایشان بدهیم تا یك کسی دیگر اقدام نکند و اسباب شکست تجـارت وتلف شدن سرمـایه او بشود بنده عرض میکنم‌این هیچ منطقی‌نیست کهیك نفری که‌صاحب‌سرمایه‌است ومی خواهد باندازه‌سرمایه خودش فایده‌ببردممنوع باشد شخصی‌که این امتیاز رامیخواهد پیش‌خودش فرض کرده است‌که ازپول خودش صدی بیست‌فایده برد درصورتیکه دیگری هم ممکن است بهمین ملاحظه ازسرمایه خودش بصدی هیجده قانع باشد واین رقابت اسبـاب ترقی تجارت میشود اما اگر فایده نداشت برای دیگری یعنـی آن دومـی که می خواهدکارخانه بیاورد بداندکه سرمایه او بهدر میرود البته‌خودش اقدام نمی کند مکرر عرض کردم که ما بیشتر از صاحب مال نباید دلسوزی نمـائیم بنده بعداز این‌که‌این کارخانه‌صابون‌سازی‌دراینجا دایر شد بدیهی است‌صرفه خودم را ملاحظه‌میکنم آنوقت اگر منفعت دارد اقدام میکنـم که یك کارخانه دیگر واردکنم واگر بدانم صرفه ندارد ابداً راه نمی اندازم یك‌چیزی است که اگر برای یك منفعتی‌یك صاحب سرمایه یك‌امتیاز رابخواهد درصورتیکه ممکن است سرمایه خـود را در کار دیگر بکاربیندازد و بیش از این‌منفعت ببردممکن نیست سرمایه‌اش رادرکاری صرف کندکه احتمـال ضرر داشته باشدمفید نیست و چنین کاری نخواهد کرد این‌است که نمی‌خواهد راضی‌باینکارشود اول ملاحظه نفع خود را میکند آنوقت اقـدام مینماید گفته شد این مطلب تابحال در ایران رایج نبوده است حالااین صاحب امتیاز می‌خواهد بامخارج‌زیاد این کارخـانه را دایر کند و بمجرد اینکه یك کس دیـگر فردا این کار را بکند البته او را ورشکست میکندبنده‌عرض‌میکنم مسئله صابون سازی‌یك‌چیزی نیست که علمیت‌فوق‌العاده‌لازم داشته‌باشد که‌یکچیزی را که یك کسی‌آورده وسایرین هم‌یاد گرفته‌بیاورند خیراینطورنیست این کارخانه اهمیتی‌ندارد وسابق‌هم اگرنمیآوردند برای آنبود که تأمین نداشتندو اگر هم سرمایه میداشتند نمیتوانستند بیاورنـد لکن امروز روزی است کهمابایدتشویق کنیم و اطمینان بدهیم واگر کسی مبنای تشویق را نقطه نظر خودش قرار بدهد میداند کهمبنای تشویق واطمینان همان ندادن انحصار است ودر سایر ممالك رسم است که هرکس کهمیخواهد بصنعتی اقدام‌نماید بایدازدولت استیذان کند نه‌اینکه انحصار باو داده‌شود و استیذان‌هم این است کهدولت میتواند باو اطمینان بدهد که اگریك کسی برخلاف یکمیزانی میخواهد در مقام خسران برآید ازاوجلوگیری خواهد کرد واگریکنفرخارجی بخواهد اسباب دیگری بیاورد بفایده قلیلی‌قناعت کند ودر زمینهٔ کهضرر اوباشددولت نخواهد باو اجازه داد اما امتیاریك صنعتی‌را نمیشود انحصار بیك کسی‌داد خصوصا در صورتیکه عنوان مملکت مشروطه است وتمام مردم وافراد این‌آب‌وخاك درصدد بردن‌منفعت ازاینمملکت واستفاده از سرمایه خودشان هستند در اینصورت هیچ نمیشود انحصار را تصویب کرد ومن مخالف باآزادی تجارت ومشروطیت میدانم۰

وزیرفوائدعامه — عرض شود بنده اولا یکمطلب اساسی رامیخواهم اینجاعرض کنمو آن‌این است که وقتی ما بعمـارت پارلمانهای خارجه برویم می‌بینیم هریك از آنها دارای یك کتابخانه ده‌هزار جلدی‌است و وکلای ملت روزی چند ساعت در آن کتابخانه مطالعه کتب معاشی‌ملت رامیکنند خصوصادر اموریکه میدانند مطرح مذاکره میشودو میروند آنها را میخوانند و بدقت ملاحظه‌میکنند که این امور در دنیا چطور دایرشده است مثلا می‌بینند دولت آلمان دریك امری آنطوریکه الان رفتار میکنند یکصد سال‌پیش‌ازاینهم‌همینطور کارمیکرده‌است‌یانخیرمی‌بینیم اینطور نیست‌ترویج‌تجارت‌وصناعت بمنزله یك تخمی است کهشمادر یکزمینی بکارید روز اولی کهاز خاك بیرون‌میاید مثل چنار صد ساله نیست آنرا میتوانید تکیه گاه قراردهید وطناب ببندید وچادررا باو وصل کنید ولی چنار یکروزه را نمیتوان این معاملات را باو کرد بمحض‌اینکه اندك‌صدمه باو رسید بکلی‌فانی میشود پس‌این‌ترویج کهدر مملکت ازاموراساسی‌است محافظت میخواهد امروزه میخواهیم ببینیم‌دول‌خارجه چه‌قسم محافظت میکنند بنده‌عرض میکنم از چندین راه محافظت میکنند یکی‌اینکه یك گمرکی برروی متاع خارجه میگذارند که امتعاع خارجه نتوانند داخل مملکت شوند و وقتی بمملکت‌روسیه برویم همچنین در همه جا همینطور می بینیم که از امتعه خارجه هرصدی‌صدوتومانی یکتومان گمرك‌میگیرند ازبرای این‌است کهاهل مملکت بتوانند باقوت قلب احداث کارخانجات‌وترویج‌صنایع‌بکنندو حاجت‌مملکت خودرا از امتعه‌خارجه رفع‌نمایند ازبرای‌ما کهاینراه مسدود است برای اینکه نمیتوانیم گمرکی بگذاریم کهامتعه‌خارجه‌واردنشودویکی‌دیگر اینکه‌درتمام‌ممالك هنوز دایر است که یکچیزی دولت جایزه میدهد بصاحبان کارخانه کهمثلا فلان عمل بیاورند و امروز دولت‌روس‌یك کشتی‌راه‌انداخته کههرسه‌ماه‌یکدفعه‌بخلیج فارس‌میایدوازبندر بوشهر تامسکوتمام کرایه‌را متحمل میشودبرای‌اینکه امتعاع‌بیایداینجاو حالا بعضی از آقایان میفرمایند که‌تجارت‌آزاداست‌بنده‌هم‌میدانم‌تجارت آزاداست ولی بـاید یك قدری هم ملاحظه پیشرفت امرور را کرد و در اروپا همه کس میداند که پول تومانی یك شاهی بیشتر تنزیل ندارد ومعهذا لازم‌میدانند که آن پول را محافظت نمایند ونگذارندیکری ضرر کنند و ما باتومانی یك‌عباسی یا پنجشاهی تنزیل لازم نمیدانیم فرضا هم بگوئیم که هر کس آزاد است که هر قسم کارخانه خواست دایر نماید ولی اینطورنیست‌بجهةاین کهاین‌مردم‌یك علم‌زیادی ندارند که وقتی دیدند یك کسی آمد کارخانه‌صابون سازی دایر کرد اوهم بگوید چون او صابون‌سازی را دایرکرده آنهم برود یك کار دیگر بیاورد و میرود تقلیدمی کند یعنی میگوید چون‌این‌شخص صابون‌سازی را دایر کرده و مثلا پنج تومان ازآن فایده میبرد من هم میروم همین کار را میکنم و میرود یك کارخانه صابون سازی وارد می کندو بالاخره هر دو ضرر می کنند و درکار خانه هر دو بسته می‌شود باین جهت بنده اساسا عرض می کنم که یك نوع مساعدتی از این صنایع بشود یك نوع تشویقی از آنها باید کرد که بتوانند سرمایه خودشان را در این امور بگذارند و الا اگر بنـا شود کـه دولت هیچ قسم مساعدتی بآنها نکنند بنده عرض میکنم ابداً موفق نخواهیم شد که در این مملکت ترویج یك صنایعی را بنمائیم و رفع احتیاجات مارا بنمایند۰

آقاشیخ‌ابراهیم — چون مکرر دراین

خصوص صحبت شده است بنده هم لازم میدانم عقیده خود را اظهار بدارم نظر بنده اینجا دو نقطه نظر است یکی آزادی است یعنی دست مردم را نباید گرفت صحیح است دست کسی را نمیشود گرفت کبریت فروش نکند دیگری بکند یا این که تو باید زراعت کنی و دیگری نکند نباید دست احدی را گرفت در اسلام همچو چیزی نیست نقطه نظر دیگر این است چیزهائیکه در این مملکت نیست باید بیاید و رفع احتیاج این مملکت از خارجه بشود مثلا میدانیم یعنی حساب کرده ایم که سالی چقدر برای کاغذ پول میدهیم حالا باید یك کاری کرد که اگر کسی خواست کارخانه کاغذ سازی دایر کند بتواند یعنی تأمین داشته باشد و تشویق از او بشود یك وقتی انتظام السلطنه بمن گفت که من در اصفهان یك وقتی گفتم کاغذ بسازند وتقریباً دسته دوریال قیمت او مشد بدولت گفتم خوب است برای این کار کارخانه وارد شود گفت که هر دسته چهارعباسی کاغذ می خرم و هیچ لاز نیست دسته دوریال پول بدهیم این بود که آن صنعت را محو کردم حالا اینکه میگویند تجارت آزاد است یعنی آزاد است تا یوم القیامه من هم میگویم آزاد است ولی این دو نقطه نظر در یکجا بهم برمی خورد و مثل این که یك کسی امتیاز کبریت فروشی را خواسته بود و این خیلی غلط بود که کبریتی را که دیگران میفروختند من تنها بفروشم و همچنین یك کسی امتیاز بلور سازی را خواسته بود و می خواست بلور فروشی کند نه بلورسازی تا این را دیدم که اگر بآن رفع احتیاج میشود باید باو انحصار داد این بود که گفتم اگر کمپانی میشوید و بلورسازی میکنید میشود باشما مساعدت کرد برای این که اگر واقعاً بلور فروش باشد نمیشود امتیاز داد بجهت این که این دست بستن است نه دست باز کردن مثل این است که بجمعی بگوئید دستهای شمارا ببندیم و باید دست این یك نفر باز باشد حالا در این مسئله اگر دیدیم واقعاً این امتیاز را ندهیم اینکار نخواهد شد آنوقت این دست بستن نیست دست باز کردن است و در واقع تمام دست ها بسته بود و ما یکدست را باز کردیم چه عیب دارد که اگر بی امتیاز هم نخواهد شد امتیاز بدهیم یعنی میگوئیم این امتیاز را میدهیم برای این که اگر ندهیم این کار اداره نخواهد شد و در حقیقت این امتیاز بر کشتش باین است چیزی نبود ما حادث کردیم و این اگر مسادف شد با آن نقطه نظر دیگر باید تحقیق کرد به بینیم کدام را باید اهم دانست و همچنین در این فقره هم باید تحقیق کرد اگر بدون امتیاز میروند صابون بسازند و رفع احتیاج میکنند خیلی خوب امتیاز دادید اما اگر منحصر باین باشد که اگر امتیاز را ندهیم معنیش این خواهد بود که ما هم یکدست را باز نکرده ایم و اگر منحصر باین شد حدوث این امر فائده این امر رواج این امر بامتیاز دادن پول دادن حمایت کردن باید امتیاز داد و باید بقدریکه ممکن است دولت همراهی کند و مذاکره کردن هم ابداً فائده ندارد .

حاجی فاتح الملك - بنده توضیح میکنم که اگر بخواهیم این امتیاز را بدهیم دست باز را هم نمی بندیم برای این که در این ورقی که بعنوان (رفع اشتباه بزرك) توزیع شده است مختصرا شرح میدهد که مراد از انحصار که این شخص می خواهد چیست این شخص میگوید من نمی گویم آنهائیکه قبل از این صابون میساختند نسازند بلکه مقصود من این است که در این مدت قلیل وارد کردن ماشین و آلات صابون سازی منحصر بمن باشد و دیگری حق وارد کردن نداشته باشد پس اگر ما در یك چنین امری آنقدر موافقت را هم نکنیم هرگز موفق نخواهیم شد باینکه مملکت ما باین زودیها دارای کارخانجات بشود .

کاشف - بنده مسئله انحصار را راجع میکنم بمسلك مجلس که آنرا در کلیه کار خانه جاتیکه بعد از این دایر خواهد شد مجری بدارید البته معلوم است که این مملکت محتاج به کارخانجات است و محتاج است باموریکه بطور تجدد باید پیشرفت کند ولی در همین مسئله امتیاز کارخانه صابون سازی باید کلیة مسلك مجلس معلوم شود و تکلیف ما هم معین باشد و کلیة بنده مخالفم باانحصار برای اینکه انحصار سلب آزادی دیگران را میکند و مکرر هم این عرض را کردم ولی چون کلیة مقصود ما ترویج صنعت و پیشرفت تجارت است باین اندازه بنده به جهت اینکار نقصی نمیدانم بجهة اینکه آنهائیکه اقدام کردند بواسطه یك فایدهٔ است و البته اگر منظور او بردن فایده نباشد نمی آید سرمایه خود را بخطر بیندازد و بدیهی است اگر کسی از ابتداء در اینجا این کارخانه را آورد و بعد دیگری هم بخواهد بیاورد ممکن است ارزانتر تمام کند وفایده هم بیشتر ببرد اینها همه را بنده تصدیق می کنم ولی عرض ابتدائی بنده این بود که میخواستم از آقای وزیر فوائد عامه سئوال کنم که در اساس این شرکت و در تأمینات آن چه اقدامی کرده اند که یك جمعی یك جائی بنشینند و با کمال حرارت وجدیت مملکت را احیا میکنید بحرف و از مردم هم بسامیشود که اسها می گیرند و بعد از مدتی سرد میشوند و دیگر نه از خیالات خودشان نتیجه میگیرند نه اینکه اسهامی که گرفته داده اند میشود و این طلب اسباب یأس عموم خواهد شد و چون اول کار است بنده عرض میکنم اگر دقت در پیشرفت آن کار نشود یقین است کارهای دیگر هم پیشرفت نخواهد کرد میخواهم بدانم که این شرکت و کمپانی اشخاص آن معرفی شده اند و وزارت فوائد عامه آنها را شناخته است و دقت شده است که مطابق قانونی که آقای مؤتمن الملك در خصوص شرکتها پیشنهاد کرده اند و از مجلس خواهد گذشت رفتار خواهند کرد و مردم می توانند اطمینان پیدا کنند باقدام این شرکت و همچنین وزارت فوائد عامه اطمینان پیدا کرده است که این اقدامیکه اینها کرده اند میتوانند پیش ببرند و فایدهٔ از آن بردارند یا اینکه همان خیال صرف است و مثل سایر شرکتهائی که مردم کردند و عاقبت سرد شدند و در این خصوص بنده آنروز هم عرض کردم که شرکتها کلیة باید بر روی یك اساس صحیحی گذاشته شود که از آن ترتیب و قاعده خارج نشود و طوری باشد که هیچ وقت بین آنها یك ضدیت و جدائی نباشد که اسباب سلب اطمینان مردم شود و عرض می کنم که در این مورد باید کمال دقت بشود و در مسئله انحصار بنده مختصر مدتی را یعنی کمتر از هفت سال اگر مجلس اجازه بدهد تصدیق می نمایم و منافی با آزادی تجارت نمیدانم .

وزیر فوائد عامه - بنده وقت مجلس را خیلی عزیز تر از این می دانم که مشغول این جور مباحثات جزئیه بی فایده بشویم و بهمین طوریکه فرمودند چهار جلسه مجلس صرف یك همچو کاری بشود و اگه این شرکت اسهامی نیست تصور نفرمائید یك جمعی میخواهند یك پولی از مردم بگیرند و اسباب ضرر مردم بشوند اینطور نیست اینها چهار نفر ند و آمده اند این کار را اقدام کرده اند و پولی گذارده اند حال نفع یا ضرر خود دانند و خواسته اند که دولت تا یك اندازه بآنها همراهی کند حالا آنقدر مذاکره بعقیده بنده اتلاف وقت است ممکن است اگر مجلس خیال ندارد هیچ قسم مساعدتی باینها بکند اینرا یکدفعه رأی بدهد که ما هیچ همراهی نمیکنیم با اینگونه اشخاص و هر کس هر وقت هرچه خواست بیاورد دولت هم چون حق ندارد بی اجازه مجلس کار کند حق ندارد که جلوگیری کند آنوقت واگذار میشود بعهدهٔ ملت که هر کس هر کاری را میخواهد اقدام کند و آنوقت هم امتیاز لازم نیست ولکن بنده این را مناسب پیشرفت صنایع و تجارت نمیدانم بجهة اینکه باین ترتیب هیچ تشویقی از ایجاد صنایع نشده است .

میرزا اسدالله خان — بنده خیلی خیلی مأیوس شدم از این مجلس و از مذاکراتی که در این جلسه شد و آن برای اینست که ما وقت مجلس را صرف کردیم برای این امتیاز و دلایلی اقامه کردیم و بردد آن و همینکه آن دلیل اقامه میشد می گفتند بلی بلی امروز بمحض اینکه آقای وزیر فوائد عامه تشریف آوردند و گفتند در پارلمانهای دیگر کتابخانه هائی است خیلی خیلی بزرك است دست و پای خودمان را گم کردیم بطوریکه گمان کردیم که شاید واقعاً این استدلالاتی را که کرده ایم باطل بوده است بنده عرض میکنم که اینطور نیست و اگر بناشود که برای یك کارخانه که می خواهید دایر کنید و یك سرمایه ۱۸ هزار تومانی را بکار بیندازند انحصار یك صنعتی به یك نفر یا عدهٔ بدهند رفته رفته نتیجه این می شود که تمام صنایع را از امروز ببعد منحصر نمائید بنده عرض میکنم از برای یك چنین مسئله کوچکی که بمیان آمده باید ببینیم طرقی را که ممکن است از آن راه پیش آید و هر یك که آسانتر است اتخاذ کنیم می فرمائید مجلس باید کلیة یك مسلکی اتخاذ کند یعنی بگوید که صنعت و تجارت باید در مملکت ترویج و ترقی کند یا خیر بنده عرض میکنم این بدیهی است و هیچ لازم بمذاکره نیست برای این که کور چه می خواهد دو چشم بینا مسلم است مادر این مملکت تجارت می خواهیم صنعت می خواهیم و می گوئیم باید تجارت و صناعت ترقی کند و هیچ وقت هم طالب این نیستیم که تجارتی برزمین بخورد اینجا دو چیز است یکی اینکه ما بنام این که تجارت را می خواهیم تشویق کنیم یك صنعتی و یك تجارتی را که چندان زحمتی ندارد و در آتیه باجزئی تشویق ممکن است از او ترویج کرد توی سر او بزنیم و مسئله صابونسازی هم

همین حال را دارد آقای وزیر فرمودند که این کارخانه لازم دارد اسباب لازم دارد و شخصی که اینکار را می خواهد بکند باید فائده ببرد و اگر بنا بشود که دیگری بیاید این کار را بکند اسباب شکست کار او میشود و در اینصورت هیچ تشویقی از این قسم اشخاص نشده است بنده در عرضی که میکنم در یك همچو مسئله که اساسش هیجده هزار و پانصد تومان است دوسه نفر هم یکی شش هزار تومان میگذارند من بشما قول میدهم که اگر اقلا صدی هفتاد منفعت نبرند حد دینار برای این کار نخواهند گذاشت و نمی آیند برای شما یك پولشان را خرج کنند و بنده عقیده ام این است که مجلس شورای ملی در اینگونه امور باید همراهی کند و روز اول هم این عرض را کردم یکی اینکه همراهی کند در وارد کردن ماشین و آلاتی که برای کار لازم است و حتی الامکان ارزانتر وارد شود بواسطه اینکه هنوز ما راه نداریم و اگر مساعدتی نشود لابداً گران تمام خواهد شد و شاید اغلب هم نتوانند یکی اینکه مالیاتی را که دولت میخواهد بعنوان گمرك بگیرد در یك مدتی مثلا ۵ سال از کارخانجات بردارد و معاف نماید حالا وزیر فوائد عامه ۵ سال را کافی نمیداند ده سال را کافی نمی داند ۱۵ سال را کافی نمی داند ۲۰ سال از گمرك معاف نماید که ۴ نفر دیگر هم بتوانند اقدامی بکنند و رفته رفته امر صنعت و تجارت در مملکت ما رواج پیدا نماید درست است که اگر بخواهیم تا یك مدتی انحصار ندهیم فردا کارخانه های دیگر هم از قبیل قندسازی وغیره دایر نخواهد شد ولی عرض میکنم اینکار الان در مملکت شما نیست و یکعده الان صابون سازی می نمایند و اگر این امتیاز یعنی انحصار را هم بدهید صابون شما خوب خواهد شد ولی تمام صابون سازها دستشان بسته خواهد شد چرا بواسطه اینکه فرضا منهم که یکی از آن صابون سازها هستم و یك عده را با خود همراه آورده باشم که یکی دو هزار تومان سه هزار تومان یا بیشتر سرمایه بگذاریم و این کار را اقدام نمائیم و عملش را هم داریم ولی بدبختانه چون دولت ایران دست بسته است و این امتیاز را انحصار بیك نفر یا یك عده معینی داده است او منافع غیر مشروع خود را ببرد و من اگر صدی ۱۶ یا ۱۸ بخواهم ببرم و مشروع هم خواهد بود نمی توانم .

منتصر السلطان - در مسئله تجارت که این جا مذاکره شد که باید آزاد باشد لیکن این جا در نظر است یکی ترقی تجارت و آزادی آن و یکی ایجاد صنایع و مساعدت با کسانیکه اقدام در اینکارها میکنند این قبیل کارخانجات جزء صنایع محسوب میشود و مزید ثروت مملکت خواهد شد مثل اینکه پیه از اینجا حمل می شود و میرود بروسیه و در آنجا پیوتی ۶ منات یا ۶ منات بفروش میرود که هر پیوتی ده من ایران است و بعد همان پیه را صابون میسازند و بایران میآورند و قالبی یکقران الی دو قران و نیم بتفاوت رنك و بو میفروشند حالا یك ایرانی آمده است اقدام کرده است و میگوید اگر من اینکار را بکنم که نفع آن عاید همین مملکت بشود آیا دیگران بمحض اینکه دیدند که من اقدام کرده ام خواهند روی دست من رفت و اسباب شکست تجارت مرا فراهم خواهند آورد یا اینکه دولت بامن همراهی می کند و از آن اشخاصی که می خواهند این کار را بکنند جلوگیری خواهند کرد و من بجهت اطمینان استدعا می کنم از هیئت دولت که هفت سال هم انحصار بدهند آن هم در ده شهر که سمنان و طهران و اصفهان وغیره باشد که در این مدت در این شهر ها کسی حق وارد کردن ماشین آلات نداشته باشد حالا مجلس صلاح نمی داند دیگری پیشنهاد کند که کمتر از این باشد آقایان می فرمایند شاید کس دیگر بخواهد همین کارخانه را وارد کند و اگر ما انحصار بدهیم دیگر دست سایرین بسته خواهد شد بنده عرض می کنم ما مگر چقدر کارخانه صابون سازی لازم داریم ما باید نگاه کنیم بروسیه به بینیم چند کارخانه صابون سازی دارد تا اینکه تصور کنیم هر کس جزئی سرمایه پیدا کرد فوراً کار خانه صابون سازی وارد خواهد کرد اینطور نیست تمام ایران که کار خانه صابون سازی نخواهد شد بعضی از آقایان گفتند ممکن است در کمتر از این مدت مثلا دو سال دولت باو انحصار بدهد بنده عرض میکنم کلا مجلس شورای ملی باید یك مسلکی را اتخاذ کند که هر کس می آید یك کاری را اقدام می کند و صنعتی را دایر می نماید اگر جنس او را نخریدند خودش بخرد چندانچه در شورای دولت روس چون می بینند که صرف نمیکند و بفروش نمیرسد صدی ۳۰ از جیب خودش میدهد و همچنین چائی را اگرچه مفصلا نمیدانم ولی اجمالا میدانم که از جیب روی آن میگذارد ولی در شورا چون خود من خریده ام میدانم و همانطور که عرض کردم باید مجلس شورا یملی یك مسلکی برای خود اتخاذ کند و یك تکلیفی برای اینقسم کار ها و امتیازها معین نماید بجهت اینکه خیلی از کارخانجات امروز هست که خیال دارند وارد نمایند و خیلی از امتیازات هست که یکمیسیون پیشنهاد شده است و اگر مجلس مسلك خود را معین کند بهتر است .

وزیر فوائد عامه - خیلی جای تأسف است که مطالب شخصی میشود که در هر جائی که مطالب شخصی شد چه در مجلس شورا یملی و چه در جاهای دیگر معلوم است شخص یك سوء نتیجه کلا خواهد داشت همچو معلوم میشود که بنده خواستم اشتباه کاری نمایم و در خارجه کتابخانه نیست و ابداً و کلاء نمیروند در امور معاش آن کتابها را مطالعه نمایند اینرا بنده دروغ نگفته ام البته آقایانی که اطلاع دارند میدانند که نخواسته ام مشتبه نمایم دیگر اینکه بنده لفظ انحصار را بزبان نیاوردم همین قدر عرض کردم مجلس شورا یملی باید نوعی از اینگونه اشخاصی که میخواهند صنعت و تجارت را در مملکت شما رواج بدهند و ثروت مملکت شمارا زیاد کنند مساعدت کنند حالا آن نوع چطور باشد نمیدانم مجلس شورا یملی باید به بیند چه نوع میتواند همراهی با آنها بکند و اگر هم هیچ لازم نمی دانید که در صنایع مساعدت و همراهی بشود این را هم در یك مجلس رأی بدهید که تکلیف معین شود ولی این را نمیشود منکر شد که سایر دول برای محافظت تجارت و صنعت مملکت خود یکنوع محافظت و همراهی را مینمایند مثل اینکه دولت آلمان از هر یك ۰۰۰ آهنی که وارد مملکت او بشود دو لیره گمرك میگیرد این برای چه چیز است ؟ برای این است که حمایت کند از کارخانه و معادن خودش و وقتی که پای رقابت خارجه بمیان آمد آن آهن از برای خودش صدی سی و پنج تمام میشود نود و پنج بخارجه میفروشد این را برای چه میکند برای اینکه میدانند اگر اینکار را نکنند سالی مبلغی باید از امریکا بخواهد باید حالا که شما نمیتوانید از راه گمرك این حمایت را بکنید و برای شما این راه مسدود است چه اگر میتوانستید صدی ده یا بیست یا سی گمرك بگیرید دیگر هیچ لازم بانحصار نبود و هر کس میتوانست کارخانه وارد و صنعتی را دایر نماید لکن چون این را نمیتوانیم گفتیم که یك مساعدتی با آنها بشود که دریکمدتی در چند نقطه وارد کردن ماشین و آلات صابون سازی منحصر باین ها باشد حالا لازم نیست و مجلس لازم نمیداند که هیچ نوع مساعدتی باینها بشود این راهم رأی بدهید که تکلیف معین شود

صدیق حضرت - بنده اساساً باانحصار مخالف هستم و آقایان که میفرمایند انحصار سبب ترقی و پیشرفت تجارت میشود بنده بعکس عقیده دارم و عرض می کنم بواسطه انحصار تجارت و صنعت هیچوقت ترقی نخواهد کرد البته تشویق باید در کار باشد چنانچه آقای وزیر علوم فرمودند و در همه جا هست ولی چون آنهم اسبابی لازم دارد و در ایران ما آن اسباب را نداریم بنده هم با آقای میرزا اسدالله خان موافق هستم در اینکه گمرك را از ماشین و لوازم این کار که وارد می شود بردارید و همچنین مالیات از آنها نگیریم و این کارخانه چیزی نیست که مواد اصلی او را از خارجه بیاوریم این مواد اصلیش از ایران بخارجه حمل می شود و دوباره صابون میشود و برمیگردد پس یك کرایه در رفتن و یك کرایه در برگشتن روی آن می آید پس این کارخانه می تواند با خارجه در این مسئله رقابت کند بجهت اینکه صابون آنها هرقدر ارزان وارد شود یك من هشت هزار خواهد بود در صورتیکه در خود محل ساخته می شود و یك من پنجهزار بفروش میرود و اینکه آقایان فرمودند ما جلوی کسیرا نمیگیریم و هر کس قبل از این صابون میساخته است میتواند همانطور بسازد بنده عرض میکنم این فقط یك چیزی است که در اینجا نوشته اند و ابداً اجرا نخواهد شد و آن ساعتی که این کارخانه دایر شد مسلم بدانید که تمام صابون پزیها بسته خواهد شد بجهت اینکه بدیهی است که صنایعی که از ترتیبات عهد حضرت آدم است و در آن عهد احداث شده است نمی تواند رقابت کند با یك صنعتی که با آلات جدید الاحداث دایر می شود پس وقتی که ما این انحصار را پذیرفتیم مثل این است که تمام آن صابون پزیها را بسته باشیم و بنده بهیچوجه این را جایز نمیدانم و دیگر آنکه بنده از این اعتبار یك چیزی میفهمم و شاید بعضی از آقایان هم ملتفت شده باشید و آن این است که این شخص میگوید تا هفت سال بمن امتیاز بدهند و بعد از اینمدت هر کس هر کاری میخواهد بکند و هر قسم ماشینی میخواهند وارد نمایند این معنیش این است که در این هفت سال سرمایه و منفعت خود را خواهم برد و بیك قیمت گرانی جنس خود را خواهم فروخت در این صورت بنده هیچ جایز نمیدانم .

دکتر اسمعیل خان- چندین مسئله از کمیسیون فوائد عامه به مجلس آمد که دو تای آنها که بنده مخبرش بودم بطور صحیحی از اینجا نگذشت و اگر آقایان بخاطر بیاورند پشیمان خواهند شد و یکی یکی را بنده یاد آوری میکنم یکی مسئله قالی باقی بود در اینجا مذاکره شد و بیرون رفت و دیگر اثری از او بظهور نرسید یکی هم همین مسئله است واقعاً انصاف بدهید در مملکت ایران که هنوز بهیچ قسم چرخهای تجارتی او بکار نیفتاده است باید بچه قسم آن چرخها را راه انداخت مسلم است که اگر بخواهیم صنایع در مملکت ما رواج پیدا نماید و تجارت ما ترقی پیدا کند اولا باید باینگونه اشخاص یك تأمین بدهیم که بگوید من وقتی سرمایه خودرا گذاردم وزحمت کشیدم فایده خودم برد و چنانچه اقدام در این کارنمایم دیگری را نمیگذارند طوری نماید که سرمایه من از بین برود و بر تجارت من شکستی وارد شود وثانیا اینکه بتاجر میگوئیم شما بیائید فلان صنعت را در مملکت دایر کنید واگر سرمایه شما کفایت نکرد یاضرری کردید برای استهلاك ضرر و همراهی باشما دولت کمك خواهد کرد و یك مطلب صحیحی هم آقای وزیر فوائد عامه فرمودند که خیلی صحیح بود و آقایان ابداً التفات نکردند هر کدام رد کردند وآن مسئله کمرك است که آن هم یك راه بزرگی است وبتجار میگویند مادرمسئله قند مثلا باندازهٔ کمرك می بندیم که شما اگر سرمایه خودتان را بخطر بیاندازید ودرمدت ۱۰ یا ۱۵ سال فایده خودرا خواهید برد در آن صورت هم ممکن است که تجار سرمایه خود را بگذارند و اسباب این شود که صنعت مملکت رواج پیدا کند وتاتمام آقایان باهم متحد نشوند ومجلس مصمم نشود که با کسانیکه میخواهند صنعت مملکت را ترقی بدهند مساعدت ننمایند ممکن نیست چرخهای تجارتی مملکت بکار افتد آقای صدیق حضرت میفرمایند انحصار مخالف اصل جدید است من نمیدانم اصل جدید کدام است واین چطور مخالف باآن اصول است ماحالا همین چیزها را میخوانیم که انحصار تجارت درمملکت موجب شکست است ودرصورتی که ابدا این طورنیست نظر کنید تجار را به بینید هر دولتی که شروع بکار صنعتی کردند چقدر سرمایه ها بتجار دادند ازبرای اینکه تشویق بتجارت کنند وکارخانجات رابکار بیندازند مافقط ٤ کتاب را می بینیم میگوئیم چون انحصار مخالف (اکونومی) است نباید بکسی انحصاری درصنعت داد برای اینکه دست سایرین بسته میشود ماهنوز پنج یك از کارهائی را که سایر دول کردند نکرده ایم نه بمردم گفته ایم که دولت باشما همراهی میکند وسرمایه میدهد که صنایع را دایر کنید نه بتجار ایرانی گفته ایم که از برای شما درخارج اسبابی فراهم میشود که ضرر نکنید ودولت هم چنین پولی ندارد که بگوید اگر ضرر کردید من ازعهده برمیآیم آنوقت یك کسی میآید اینجا میگوید که من میخواهم یك صنعتی رادر مملکت شما تکمیل نمایم و ترقی بدهم شما در مقابل زحمات من فقط موقتاً یك انحصاری بمن بدهید آنهم درچند نقطه معین اگر در اینمدت فایده بردم که چه بهتر اگر هم نبردم که سرمایه خودمرا بخطر انداخته ام حالا اگر این شخص صددرصد فایده از اینکار ببرد چون برای این است که سایرین هم اینکار را نکنند باید تشویق کرد و این انحصار موقتی را هم باید داد ولو اینکه صددرصد فایده ببرند این عقیده بنده است حالا سایر آقایان خودشان مختارند.

تقی زاده- اصول حمایت که آقای وزیر فوائد عامه بآن متشبث شدند هیچوقت در مقابل یکشخصی نیامده است اصول حمایت در خارجه فقط استیلای تجارت داخلی است ودر سایر ممالك مثل انگلستان فقط معنی آن حمایت از مخالفت تجارت خارجی است و همان تجارت از گمرك است و بعضی مطالب دیگر که بواسطه آن حفظ سرمایه داران افراد مملکت ازرقابت ومناقصت سرمایه دارهای ملل دیگر ولی آنچه را که درمقابل سرمایه دارهای داخلی محافظت شود که سرمایه داری که سرمایه او بیشتر از همه است فایده بیشتر ببرد آن را اصول حمایت نمیگویند بلکه شاید این را طرفداری اشخاص بگویند وبنده خیال میکنم که اساسا باید اینجور انحصارات راموقوف کنیم برای اینکه این همچو می نمایانند که این و کلا از اطراف جمع شدند و آمدند این جا برای این که هر روز یکی از تجارت ها و صنایع مملکت را بتجار طهران انحصار بدهند اگر لازم باشد که یك چیزی فروشنده اش در بازار طهران بشد نمیدانم بسته بتصویب وکلای طهران است ولی این مطلب ضررش عاید اهالی سایر بلادهم خواهد شد و مثلا کسی در همدان نتواند چرمسازی نماید برای اینکه در طهران یك نفر در چرارمجلس شورای ملی واقع شده است پس اگر این را تشویق وحمایت بکونیم باید یك معنی دیگری راازاو بفهمیم ولی بنده عرض میکنم وقتی که دولت میخواهد در صدد ترقی صنعت یا تجارت برآید باید جلوگیری از سرمایه هم بنماید یعنی باید لکه سرمایه داران هم نشود باین طور نمیشود تجارت را محافظت کرد وترقی داد عبارت وصنعت کلیه یك حافظ طبیعی لازم دارد وآن تجارت از رقابت است پس دیگر هیچ چیزی بهتر از رقابت سبب ترقی نمیشود ولی یك وقتی هست که یك چیزی درمملکت خودمان است مثل اینکه پیه از مملکت مامیرود بخارجه ودر آنجا بقیمت نازل فروخته میشود وهمان بعین صابون ساخته شده باعلی قیمت بما میفروشند واین یك چیزی است که خودمان میتوانیم صنعت آن رادردست بگیریم بعضی از آقایان فرمودند که گمرك نمیتوانیم ببندیم لکن میتوانیم از ماشین ولوازمات این کار کمرك نگیریم وبعضی هم گفتند که مالیات آن را هم دولت معاف نماید اگرچه این دوفقره مسکوت عنه ماند ولی بنده خیال میکنم که این دو اصل از اصول حمایت است که ما آنرا دارا هستیم امانه اینکه یك مورد فقط باشد بلکه باید در هرموردی که وزیر تجارت مالارم دانست در هرموقعی میتواند اینکار را بکند ویك چیزیکه آقای شیخ ابراهیم فرمودند بعقیده بنده بقدری تسلسل پیدا خواهد کرد که فردا ممکن است که یك چیزیرا که در بازار نیست مثلا یك دوائی که لازم است بگویند اگر امتیاز نه هید نمیآوریم این رانباید نمایندگان یا مجلس تحقیق کنند باید وزیر تجارت ازروی (استاتستیك) مملکت وازروی عمل آوردن این صابون و وارد کردن ازخارجه بداند که چقدر مصرف میشود و یك نوع حمایتی بکند پس بگذریم ازاین انحصارها که اسباب یاس عموم میشود و رقابت تجارت را بمیدان بیاندازیم که زودتر تجارت دراین مملکت ترقی کند ورواج پیدا کند یك چیزی در اینجا گفته شد چون کار بزرگی لازم است عرض کنم گفته شد چنانچه در سابق یعنی از زمانی که کارخانجات وماشین ها احداث شده ماشین و کارخانه وارد کردند حالا هم اگر امتیاز ندهیم نمیآورند این یك کار بزرگی است که خوب است آقایان بدانند اصلا مملکت دوره های طبیعی دارد که باید طی کند و بدیهی است وقتی که سرمایه نقدی درمملکت پیداشد آنوقت دیگر پول خود شانرا بترتیب قدیم نمیگذارند وشروع بآوردن ماشین ها و کارخانه هنامی کنند وحالا در مملکت مادوره ماشین شروع شده است وبعقیدهٔ بنده اگر شما انحصار هم ندهید تادوسال دیگر مملکت شما پراز ماشین خواهد شد یکی از آقایان فرمودند که دولت روس برای رواج وفروش (ورشو) دستی میدهد خواستم رفع شبهه کنم که دولت روس ازآنچه درداخله او بفروش میرسد مالیات می گیرد و آنقدری هم که حمل بخارج مملکت اومیشود یکقسمت آنرا گمرك می گیرد و فقط یکقسمت آنرا معاف مینماید درهرصورت ندادن این قسم انحصارات وواگذار کردن رقابت را بنده دلیل ثروت مملکت میدانم واین راهم آقایان بدانند که درفرنگستان هم شیوع ماشین باینطوری که حالا است نبوده است منتهی دوره ماشین ازدویست الی صد سال پیش است که آن را دوره ماشین می گویند و شاید عرض بنده این است که قرن (۱۹) راقرن بخاری می گویند ولی درمسئله انحصاری که در اروپا بود مذاکره درزمان قدیم صحیح است دراروپا این جور انحصارات نبوده است که علتش همان است که عرض کردم برای این بوده است که دوره ماشین نبوده است ولی مسئله کتابخانه راکه فرمودند تصدیق میکنم و این راهم لازم است عرض کنم که درهیچ جا تجارت حمایت شخصی نداشته است اگر حمایتی بوده است حمایت ملی بوده است.

رئیس - مذاکرات زیادشده است وگمان میکنم بیش ازاین نباید وقت مجلس راصرف اینکار کرد حالارأی می گیریم.

ذکاءالملك - بنده خیلی عرض داشتم دراینخصوص لیکن چون موافقم عرض نمیکنم لیکن در خصوص رأی گرفتن لازم است عرض کنم که دراین جاسه چیز است که باید طرف توجه قرار داد چون گمان می کنم که نمایندگان با تشویق کردن همراه باشند از این جهت است که عرض میکنم اینکه نوشته اند دولت علیه ایران لوازماتی را برای این کار لازم است از گمرك معاف خواهد کرد و بعد هم نوشته اند در سه سال بعد صدی ده بدولت خواهند داد بنا براین این انحصار قاعدة عقیده ام این است که رد شود آنوقت باید ملتفت شویم که همانطوریکه ذکر شد راه تشویق منحصر این نیست که انحصار بدهیم یکی از طرق تشویق این است که آن را از گمرك معاف نمائیم و همین طور مالیات هم ازآن ها نگیرند ودر این صورت دیگر حق تفتیش دولت ساقط می شود یعنی مالیاتی نمیگیرد که تفتیش نماید.

رئیس — حالا رأی میگیریم کسانیکه این انحصار راتصویب مینمایند و مذاکرات در کلیات آن راکافی میدانند قیام نمایند.

[اغلب قیام نکردند]

رئیس — ردشد، رقعه وزارت پست وتلگراف خوانده شود.

آقای مرتضی قلیخان قرائت کرد که استخدام (مسترارنست نیو) بموجب اکثریت آراء مجلس مقدس تصویب شده مستدعی است قرار نامه او نیز بطور عاجل از مجلس بگذرد که تکلیف مشارالیه معین شود.

رئیس — این کاغذ از وزارت پست و تلگراف رسیده است معاون هم تقاضا میکند که امروز بموقع شور گذاشته شود برای این که گویا آن مدتی که معین کرده اند تمام میشود.

صدیق حضرت — این جا نوشته شده است که مجلس استخدام [مسترنیو] را پذیرفته است و اگر در نظر داشته باشید مجلس آنروز استخدام یك نفر اروپائی را تصویب کرد و هنوز وزراء کلیه بناست در خصوص مستشارها پیشنهادی بکنند در اینصورت بنده استخدام این [مسترنیو] راتصویب نمیکنم ما باید لایحه کلیه مستخدمین اروپائی را که باید بیایند و برای ما اداره تشکیل نمایند بخوانیم که زودتر پیشنهاد شود و بنده تازمانی که آن لایحه کل برای استخدام کلیه مستخدمین پیشنهاد کننده شود و بمجلس نیاید این را بموقع نمیدانم واستدعا میکنم که از طرف مجلس وهیئت رئیسه تأکید شود که هرچه ممکن باشد زودتر بمجلس پیشنهاد کننده.

رئیس - فرمایش جنابعالی درباب کلیه مستخدمین صحیح است ولی این استخدام ششماهه را مجلس اساسا قبول کرد.

دکتر اسمعیل خان - آن روزیکه در این باب برای کلیه مستخدمین صحبت شد آقای تقی زاده فرمودند که از یك مستخدم جزء بگیرید تا اینکه کلیه مستخدمین خواسته شود و امروز میفرمائید خیر.

متین السلطنه - این که این مطلب بکمیسیون رفته است خود بهترین دلیلی است که این را اساسا مجلس تصویب کرده و اما در باب رأی مجلس مقدس بنده تصور نمیکنم هیچ اختلافی با ارائیکه سابق داده شده است داشته باشد استخدام یکنفر اروپائی رادراداره تلگراف درمدت شش ماه هیچ نمیتوانیم تصور بکنیم مگر اینکه بگوئیم بعداز ٦ ماه یك سال وبعداز یکسال دوسال وبعد همین طور دائمی شود پس این نکته ای است که نمایندگان باید در نظر داشته باشند که این ششماه نخواهد بود واما ممکن است که این یك ایراد بزرگی نباشد ما خیلی مایلیم که از برای تمام ادارات مستخدم و مستشار های خارجه بیاوریم و ادارات خودمان را منظم کنیم اما اشکالی که در اینجا است این است که نمایندگان اینمطلب را قبول دارند که این مستخدم لازم است ومعهذا اینقدر اشکالات فراهم میآورند برای چیست برای این است که این شخص چون در اداره هنداروپ مستخدم است وآن اداره با اداره تلگرافی ما مربوط است و منافع این کمپانی بامنافع ایران درهم است گمان میکنم که همچو تصور کردند که اگر این شخص از این کمپانی مستخدم بشود آنملاحظه را که باید در اداره کردن تلگراف داشته باشد نکند دیگر اینکه ششماه است ما داد میزنیم که چرا مستخدمین اروپا نمیآورند معذلك چهار جلسه است که در اینمذاکره میشود جهت چیست علت آن یکی آن نکته ای است که عرض کردم ویکی دیگر این است که بعضی از افکار عمیقه همچو تصور میکنند که این یك اختیاری است که بوزیر پست و تلگراف داده میشود پس بهتر این است که زود تر اقدام بآوردن مستشارهای دائمی بشود وعلت این هم که بعضی نمایندگان استنکاف دارند همین است که عرض کردم.

رئیس — اینمطلب گذشته است واساساً مجلس استخدام اینیکنفر راتصویب کرده و بکمیسیون رفته است وراپورت آن آمده است وچون امروز اینمسئله جزء دستور میشود وفقط معاون تقاضا نمود که امروز مذاکره شود حالا باید دراینخصوص رأی گرفت.

اسدالله میرزا — بعضی اظهاراتی در اینجا کرده شد که واقعاً اسباب یأس بنده میشود وحالا اگر بعضی از آقایان می پسندند مختارند چیزی قبل از این مسئله پیشنهاد مجلس شد وازمجلس بکمیسیون رجوع شد کمیسیون ابتداء این را رد کرد و گفت باید یکمرتبه اقدام درآوردن مستشار های دائمی نمود بعد آن راپورت که درمجلس قرائت شد باکثریت مجلس رای کمیسیون را رد کرد وتصویب کرد که این راموقة بیاوریم وازاو آنقدری که باید استفاده کنیم ودر همان روز هم خاطرم هست که آقای معاون فرمودند کنترات هم خوانده میشود این بود که گفته شد باید برود بکمیسیون که در آنجا بعضی نظریات شده واصلاحاتی که لازم است بشود بعد از آن مجلس این را مطرح شور قرار دهد وامروز که این راپورت این جا میآید اظهاراتی میکنند وهمچو میفهمانند که من خیلی وطن خواه نیستم درصورتیکه بنده میتوانم بجرات قسم بخورم آن اشخاصی که در کمیسیون این رأی را دادند خیلی ازایشان وطن خواه ترند یکی از آقایان فرض میکنند که اگر این شخص ازاین اداره مستخدم شود مالك الرقاب خواهد شد اولاشما کنترات رابخواهید به بینید چه نوشته است نوشته است اداره هند اروپ این شخص را امانة برای شش ماه بشما میدهد واین مذاکراتی را که در این جا میشود بنده هیچ صلاح نمیدانم تصور میکنم باروابط دوساله که بین این دو اداره هست دیگر این اظهارات آقای متین السلطنه هیچ موقعی ندارد کمیسیون هم حال دقت را کرده است و تمام قرارداد را درسه ماده پیشنهاد کرده است آنها را بخوانید اگر ثانیاً ملاحظاتی درآن هست که لازم است تجدید نظر شود به کمیسیون رجوع کنید

(صورت مجلس (۸) ربیع الثانی قرائت شد که راپورت بکمیسیون پست و تلگراف راجع به استخدام ششماهه یك نفر مستخدم اروپائی در آن جلسه قرائت شده بود و مجلس اساساً آن استخدام را تصویب کرده بود ولی رای قرائت کنترات آقای حاجی شیخعلی پیشنهاد کرده بود که به کمیسیون رجوع شده تادر آن تجدید نظری شده ثانیاً بمجلس پیشنهاد شود)

رئیس - معلوم میشود اساساً این مطلب تصویب شده است حالا برای این که امروز درآن مذاکره نشود رای میگیریم هر کس تصویب می کند قیام نماید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - باکثریت ۳٦ رأی تصویب شد حال چون آقای معاون تقاضای فوریت آن را مینمایند برای فوریت آن اخذ رای می شود که در آن شور بشود.

[گفته شد دلیل فوریت را بیان نمائید.]

معاون وزارت پست وتلگراف - گذشته از تفصیلات گذشته که پنج ماه است دراساس استخدام یکنفر مستخدم ششماهه مذاکره می کنیم در بیست روز قبل درمجلس باکثریت تصویب شد دراین بیست روز شخصی که رئیس کمپانی است سختی می کند ودو سه روز باو وعده داده ام این ایام آمده است بمن می گوید پنج ماه است که ما این شخص را در این جا نگاه داشته ایم ولازم است که پس فردا اورا بمأموریتی بفرستیم اگر شما این شخص را لازم دارید قرارنامه او را امضاء کنید وبدهید که تکلیف اومعین باشد بنده برای اینکه امروز درمجلس مذاکره شود از آن شخص سه روزه مهلت خواسته ام اگر امروز این قرارنامه تصویب شد امضاء میشود و باو میدهیم و الا اگر امروز نگذرد آنشخص خواهد رفت واگر رای هم داده شود ویا قرارنامه امضاء شود دیگر فایده ندارد.

رئیس - پس درفوریت رأی می گیریم چنانچه تقاضا کردند هر کس تصویب میکند فوریت این را که یك شور درآن شود قیام نماید (ردشد)

رئیس — حال در کلیات این مباحثه میشود آقایانی که در کلیات آن فرمایشات دارند بفرمایند [گفته شد در کلیه این سابقاً مذاکره بعمل آمده است.]

رئیس - حال بجهت اینکه از ترتیب خارج نشویم برای داخل شدن درشور مواد رأی میگیریم (گفته شد دراساس این رأی گرفته شده وباکثریت پذیرفته شد دیگر لازم نیست برای داخل شدن در مواد رأی گرفته شود.)

رئیس - حال داخل درشور مواد میشویم.

[راپرت کمیسیون فوائد عامه را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند.]

فصل اول موافق این قرارنامه اداره هنداروپ ازتاریخ امضاء این قرارداد الی مدت ششماه شمسی (مسترارنست نیو) رابرای خدمت دراداره تلگراف واگذار مینماید.

آقای میرزا ابراهیم خان دراین فصل اینطور پیشنهاد کردند.

(این بنده پیشنهاد میکنم که فصل اول اینطور نوشته شود)

فصل اول - اداره تلگراف دولت علیه ایران (مسترارنست نیو) صاحبمنصب اداره تلگراف هند - اروپ رابرای استخدام مدت ششماه در خدمت خود قبول مینماید.

رئیس - در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای میگیریم هر کس این پیشنهاد را قابل توجه میداند قیام نماید

(ردشد)

دراین فصل قدری مذاکره شد چون محتاج

تجدید نظر بود رجوع شد بکمیسیون فصل دوم نیز قرائت شد بعداز قدری مذاکره چون مربوط بفصل اول بود آقای دکتر اسمعیل خان تقاضا کردند که این راپورت رجوع شود به کمیسیون.

رئیس - بتقاضای آقای دکتر اسمعیل خان کلیة این برمیگردد بکمیسیون آن شش نفری را که برای کسر اعضاء کمیسیون فوق العاده تصویب شد انتخاب میکنیم اول اعضاء آن کمیسیون خوانده میشود.

(اسامی اعضاء کمیسیون فوق العاده را آقای معاضد الملك قرائت کردند)

اسدالله میرزا - آقامیرزا اسمعیل نوبری - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - معاضد السلطنه - آقا شیخ اسمعیل هشترودی - ذکاءالملك - سلیمان میرزا - نواب - میرزا اسدالله خان - کاشف - حسنعلیخان منتصرالسلطان.

رئیس — همانطور که گفته شد ازهیئت رئیسه انتخاب ننمایند بجهت اینکه کارهاهم زیاداست و نمیتوانند

وحیدالملك — بنده هم استعفا میدهم آقایان اسم مرا ننویسند.

دکتر اسمعیل خان - بنده چون درسه کمیسیون هستم استدعا میکنم بنده را هم ننویسید.

صدیق حضرت — بنده چون در بیشتر از دو کمیسیون نمیتوانم حاضر شوم استدعا میکنم اسم مراهم ننویسند.

رئیس — اینطور که نمیشود که هریك استعفا بدهند — آقایان اسم هر یك را میخواهند بنویسند واستعفا قبول نمیشود.

شیبانی — بنده با کمال شرف حاضرم قبول عضویت این کمیسیون را بنمایم هر کس میخواهد بنده را بنویسد.

حاجی شیخعلی — بنده هم همینطور که گفتند حاضرم.

(شروع بانتخاب شده ورقه رأی توزیع واخذ شد)

آقایان: لسان الحکماء - وکیل التجار - آقامیرزا داودخان برای استخراج آراء بحکم قرعه معین شدند.

رئیس — آقایان استخراج آراء نمایندیانزده دقیقه تنفس است.

(تنفس شد)

بعداز تنفس یکساعت ازشب گذشته مجلس منعقد شد

اسامی اشخاصی که از برای انضمام کمیسیون رسیدگی بامور عدلیه انتخاب شده بودند قرائت شد.

آقا شیخ محمد خیابانی	با (۳۴) رأی
حاجی میرزا رضاخان	با (۲۵) رأی
حاجی آقا	با (۲۵) رأی
صدر العلماء	با (۲۰) رأی
آقا سید ابراهیم مدرسی	با (۱۷) رأی
آقا سید حسین اردبیلی	با (۱۶) رأی

راپورت شعبه چهارم راجع به نمایندگان عربستان قرائت شد مبنی براینکه اشکالی که در اعتبارنامه نموده بودند فقط درسن عزالممالك بود وتحقیقات لازمه بعمل آمد معین شد سن او بالغ بسی هست وشعبه نمایندگی اورا تصویب مینماید.

آقامیرزا محمود نجات فرمایشاتی که آقای وکیل الرعایا فرموده بودند درخصوص نمایندگی عزالممالك اظهار میکردند که سن ایشان بالغ بسی نیست و در کمیسیون دلیل واضحی برای فرمایشات خودشان نداشتند آقای حاج سیدنصرالله هم حضور داشتند.

حاجی آقای شیرازی — اشکالی که درخصوص عزالممالك بود فعلا در سنشان بود آنهم فقط آقای وکیل الرعایا اشکال میکرد آنچه تحقیقات درشعبه شد مخالفی دراینکه سنشان کمتر باشد دیده نشد بلکه بعضی زیاده برآن میگفتند وگمان میکنم که آقای وکیل الرعایا بیست راباسی اشتباه کرده بودند بعلاوه بنده اساساً عرض کرده ام بازهم عرض میکنم که ما محتاج بصدو بیست نفر هستیم عجالتاً بیش از ۷۰ نفر دراینجا حاضر نیست پس هرچه قدرازاین اشکالات در میان بیاوریم آن فایده فوت میشود بعلاوه بهترین تصدیق برای اینکه سن ایشان بالغ است این است که اهالی عربستان که ایشان را انتخاب کرده اند می دانسته اند که وکیل بایدسی سال داشته باشد وایشان که دارای پانصد ششصد رأی میباشند در واقع این آراء تصدیق است باینکه ایشان سی سال دارند در اینصورت قابل تحقیق هم نیست.

رئیس - ظاهراً مخالفی نیست. (گفتند رأی گرفته شود.)

رئیس — رأی گرفته می شود درخصوص نمایندگی آقای عزالممالك هر کس موافق با این راپورت است قیام نماید.

رئیس - اکثریت حاصل شد.

[بودجه مجلس قرائت شد - ماده اول درخصوص حقوق وکلا که نفری ماهی صد تومان داده شود. قرائت شد.]

رئیس — رأی میگیریم هر کس موافقت دارد باتصویب کمیسیون بودجه ورقه سفید خواهد انداخت.

(رأی گرفته شد عده حضار ۵۸ ورقه سفید ۴۲ ورقه آبی ۵ امتناع ۱۱

رئیس - باکثریت تصویب شد.

اسامی تصویب کنندگان:

آقا شیخ محمد - آقاشیخ اسمعیل - معتمد التجار - محمد هاشم میرزا — حاجی میرزا رضا خان - نوبری - صدرالعلماء - آقا شیخ علی - لسان الحکماء - آقاسید جلیل - قوام الاسلام - حاجی سیدنصرالله ممتازالدوله - معاضدالملك - شیبانی - دکتر امیرخان ذکاء الملك — منتصرالسلطان - میرزا داود خان تربیت. آقا شیخ ابراهیم زنجانی. حاجی آقا موتمن الملك. میرزا ابراهیم خان. اسدالله میرزا صدیق حضرت. آقاسید حسین اردبیلی. حسنعلی خان. ارباب کیخسرو. ادیب التجار. آقا سید ابراهیم مدرسی. بهجت. دکتر علیخان. فهیم الملك. وزیر زاده. متین السلطنه. معزالملك مرتضی قلیخان. مستشارالدوله. وحیدالملك. عزالملك اسدالله خان.

(اسامی رد کنندگان)

ابوالقاسم میرزا. آدینه محمد خان. نواب سلیمان میرزا. فاتح الملك

ماده دوم قرائت شد. راجع بحقوق رئیس کابینه ورئیس دارالانشاء که روی هم رفته صدوشصت تومان معین شده بوددر این ماده مذاکرات زیاد شد راجع باینکه اینطور بودجه نوشتن غلط است باید شغل معین شود و مواجب در مقابل شغل بدهند ابداً نظر باشخاص نداشته باشند بجهت اینکه ممکن است اشخاص تغییر پیدا کنند لکن شغل ریاست ومواجب شغل داده بشودنه بشخص ودر ضمن این ماده اغلب اظهار داشتند که حقوق اعضای جزء هم خیلی کم معین شده است از قبیل ثبات وضباط و بالخصوص تند نویس وصورت مجلس پس از مذاکرات زیاد آقای معاضدالملك پیشنهاد کردند لساناً که بحقوق تند نویسان صورت مجلس نویسان نفری پنج تومان اضافه شود وحقوق ضباط کابینه هم اضافه شود آقای معتمدالتجار پیشنهاد کتبی نمودند که بحقوق موزع اوراق رای پنج تومان افزوده شود وحقوق پیشخدمتان چهارده تومان شود وبحقوق تندنویسان وثبات وضباط هم مقداری اضافه شود.

آقا میرزا ابراهیم خان پیشنهاد کردند که بحقوق اعضاء جزء کلیه دو عشر افزوده شود کلیه پیشنهاد ها به کمیسیون محاسبات رجوع شد که آنها را ملاحظه نموده تجدید نظری در آنها نمایند.

ارباب کیخسرو - این بودجه دائمی است یا درسنه آتیه تغییر پذیر خواهد بود.

رئیس - البته متعلق بهمان امسال است حالا رجوع به کمیسیون می کنیم طرح آقای صدیق حضرت قرائت شود [طرح آقای صدیق حضرت راجع به مالیات حراج که یك عشر از قیمت اشیاء حراج شده باسم مالیات عاید دولت شود قرائت شد.]

حاج شیخ علی خراسانی - در نظامنامه دخلی ماده‌ای است که نمایندگان میتوانند تقاضا کنند یك مسئله مسکوت عنه بماند دراینموقع بنده تقاضا میکنم که این طرح مسکوت عنه بماند.

آقامیرزا ابراهیم خان - اگر مقدمه این طرح را جنابعالی خوانده بودید یقین دارم چنان تقاضائی نمیکردید امروز این مالیات گرفته میشود بانواع مختلف از تومانی ده شاهی تا تومانی سی شاهی و اشخاصی که صلاحیت ندارند نمیگیرند قصد آقای صدیق حضرت این است که یك میزانی دراین باب معین شود که ازروی آن میزان گرفته وجزء مالیات دولتی شود نه اینکه بجیب اشخاص دیگر برود حالا اگر در مواد حرفی دارند آن یك مسئله ای است که ممکن است قابل توجه باشد وبعقیده بنده راجع باساس این مسئله مخالفی نخواهد بود واگر مخالفی باشد این مخالفت بامنافع دولت است.

حاج شیخعلی - قانونی که ما وضع میکنیم باید کلیت داشته باشد یعنی در تمام مملکت مجری باشد وامروز اگر این رامیگیرند در طهران یایکی دو نقطه دیگر است نه در تمام مملکت باین جهت بنده بملاحظاتی تقاضا میکنم که این مسکوت عنه بماند ودر عقیده خودم ثابت هستم.

صدیق حضرت — همان قسم که آقای آقا میرزا ابراهیم خان توضیح دادند در هرجا که حراج بشود این مالیات را ازصاحب مال می گیرند درجاهائیکه دولت مأمور مالیه دارد مأمورین دولتی میگیرند وجاهائیکه مأمور مالیه دولتی نیست همان

حراج کننده میگیرد از تومانی ۱۵ شاهی تا ۳۰ شاهی گرفته میشود اینکه بنده لازم میدانم این لایحه بگذرد لکن همانطور که فرمودند درموادش اگر حرفی دارند آن را درموقع شور بفرمایند واگر تغییری لازم است مجلس خواهد داد واینکه فرمودند درتمام مملکت باید اجرا شود این بدیهی است در دهات وقصبات حراج نمیشود اغلب حراج درشهرهای بزرك ومخصوصا درجاهائیکه قرنگی ها سکنی دارند این عمل میشود.

رئیس - حالا این قابل آنقدر مذاکره نیست اول رأی می گیریم بتقاضای آقاشیخ علی هر کس عقیده‌اش این است که باید مسکوت عنه بماند قیام نماید. [فقط آقاشیخ علی قیام کردند.]

رئیس - حالا درقابل توجه بودن این لایحه رأی می گیریم هر کس این را قابل توجه می داند قیام نماید.

رئیس - باکثریت پذیرفته شد حالا رجوع می شود بکمیسیون قوانین مالیه دو فقره راپورت کمیسیون بودجه است چندروز است درجزو دستور گذاشته می‌شود وموقع خواندنش نمیرسد حالا قرائت می شود. (راپورت کمیسیون بودجه قرائت شد مشعر براینکه قویم السلطنه عریضه عرض کرده که من تحصیلات مقدماتی خودم را کرده‌ام وازبرای تکمیل تحصیلات عازم بیروت هستم چهارساله تحصیلات خودرا باتمام برسانم لکن معاش مرتبی ندارم صد و هفتادتومان مواجب شخصی دارم و چنانچه سالی ۷۰ تومان دولت کمك بخرج تحصیلی بنده نماید آسوده حال مشغول تحصیل خواهم بود و دولت پس از انقضای این چهار سال از مواجب شخص بنده این مبلغ سالی ۷۰ تومان را بر دارد، کمیسیون بودجه شرحی بوزارت مالیه نوشته وصورت کلیه وجوهی که از طرف دولت برای محصلین خارجه داده میشود خواست موافق صورتی که وزارت مالیه داده است معلوم میشود که عده کثیری از محصلین فعلا بایران آمده‌اند دراینصورت وجوهی که از این بابت باینها داده میشد باید ضبط شود تادرموقع برای محصلین جدید تصویب گردد وعجالة سالی ۷۰ تومان برای مددخرج قویم السلطنه تا چهار سال کمیسیون تصویب مینماید که وزارت مالیه عایدداردو.)

شیبانی — قویم السلطنه رابنده شخصاً میشناسم جوان خیلی با استعدادی است مقدمات هم تحصیل کرده صدو هفتادتومان مواجب دارد واین کفایت خرج تحصیل اورا نمیکند حالا هم چیزی نخواسته است فقط ۷۰ تومان بعنوان قرض خواسته تصور میکنم چنانچه این مبلغ را تصویب فرمایند باو داده شود بیمعل نباشد وامیدواریم برود تحصیلات خودش را تمام کند وبرگردد خدمات لایقه بوطن خودش بنماید.

دکتر علیخان — چندین مرتبه از این قبیل مطالب بمجلس آمده است وجواب گفته شده که تا یك نظامنامهٔ در این خصوص ازطرف وزارت معارف نوشته نشود نمیشود باین طور چیزها جواب داد و میترسم اگر اینطور چیزها را بپذیریم اسباب شود که آن نظامنامه هرگز از مجلس نگذرد

رئیس - لکن نگهداشتن این فقره برای گذشتن نظامنامه صورت صحیحی ندارد باید وزیر معارف سعی کند که آن نظامنامه زود تر از مجلس بگذرد.

فهیم الملك — این ترتیب نظامنامه ای که فرمودند صحیح است دراین اواخر چند فقره ازطرف وزارت معارف پیشنهاد شد که تقاضای مخارج تحصیل کرده بودند ولی کمیسیون تمام رارد کرده است بهمین تناسب که آقای دکتر علی خان فرمودند و کمیسیون نظرش باین است که ازروی یك ترتیب صحیحی مخارج تحصیل داده شود وطرحی که ازطرف آقای معتمدالتجار درخصوص مخارج محصلین خارجه پیشنهاد شد و بکمیسیون آمد کمیسیون در نظر گرفت که از روی یك ترتیب مخصوص نظامنامه نوشته بمجلس بفرستد لکن در این خصوص کمیسیون قبل از اینکه آن نظامنامه بمجلس بیاید این یك فقره را تصویب کرد چون مخارج فوق العاده نبود و مجلس آن را ازمحل همان شاگردانی که مراجعت کرده بودند معین کرده بود چون بعضی از آن محصلین چندین سال است مراجعت کرده‌اند و در این جا مشغول تحصیل می باشند وخرج تحصیل را دریافت می کردند کمیسیون صورت حقوق آنها را خواست وگفت حقوق آنهائی که مراجعت کرده‌اند ضبط شود واین ۷ تومان را از همان محل تعیین کرد که با آن صد و هفتاد تومان مواجب شخصی خودش کفایت خرج تحصیل اورا خواهد کرد واین تقاضا تقاضای صحیحی است وگمان ندارم مخالف ترتیبات نظامنامه که خواهد نوشته شد باشد بجهة اینکه هم لایق است شخصاً وهم چیز زیادی تقاضا نکرده است.

رئیس — دراین خصوص مذاکره کافی است گویا چندان مخالفی نباشد حالا رأی می گیریم هر کس تصویب میکند که سالی هفتاد تومان بعنوان خرج تحصیل بقویم السلطنه موافق این راپورت داده شود ورقه سفید خواهد انداخت.

(رأی گرفته شد)

عده حضار ۵۴ ورقه سفید ۴۰ امتناع ۱۴

(اسامی تصویب کنندگان)

حاجی سید نصرالله — ممتاز الدوله — دکتر اسمعیل خان — معتمد التجار — محمد هاشم میرزا حاجی شیخ علی — دکتر امیرخان — آقا شیخ رضا — صدرالعلماء — نوبری — حاجی میرزا رضاخان — صدیق حضرت — آقا شیخ علی — لسان الحکماء — آقا سید جلیل — معزز الملك میرزا داود خان — سلیمان میرزا — آقا شیخ ابراهیم — مؤتمن الملك — ارباب کیخسرو ادیب التجار - متین السلطنه - نواب - مساوات - اسدالله میرزا - آقامیرزا ابراهیم خان - حاجی آقا - آقامیرزا احمد اسدالله خان - مرتضی قلیخان - وحیدالملك - حسنعلیخان فهیم الملك - وزیرزاده - منتصرالسلطان - معاضدالملك ابوالقاسم میرزا - شیبانی.

رئیس — باکثریت تصویب شد راپورت دیگر خوانده شود.

[راپورت کمیسیون بودجه قرائت شد مشعر بر اینکه غلامرضاخان تربیت که سالها در وزارت خارجه خدمت کرده عریضه عرض کرده بمجلس مشعر بر اینکه در مدت ۴۰ سال نوکری سالی ۱۵۰ تومان مواجب ودویست تومان استصوابی از محل تذکره به بنده داده شده دوسال است استصوابی بنده را بعنوان اینکه در مجلس سابق قطع شده نمیدهند استدعا کرده که استصوابی اوداده شود وکمیسیون بودجه چنین تصویب مینماید که از هر جهت ماهی سی تومان باو داده شود.]

قهیم الملك - استصوابی که وزارت امورخارجه باجزاء میدادند شرح آن ازقرار است که مختصراً عرض میکنم درسابق نمیدادند هیچ یك از ادارات دولتی ترتیب صحیحی نداشت حقوقی درکار نبود مرحوم مشیرالدوله صدراعظم یك اقدامی کردند یك حقوق مختصری برای اعضای وزارت خارجه قرار دادند که فی الجمله راحت باشند لکن چون آن حقوق کافی نبود همه ساله از اضافه عایدات تذکره یك مبلغی باعضاء باسم استصوابی میدادند وکلیه عایدات تذکره را که در دست وزارت خارجه بود محل مواجب آنها قرار داده بودند مجلس سابق که درنظر داشت بهر کس در مقابل شغل حقوق صحیح داده شود صورت استصوابی را ازوزارت خارجه خواست وبودجه وزارت خارجه قبل از اینکه ازمجلس بگذرد محلش منقطعی شد واستصوابی راچون مجلس درنظر داشت که قطع نماید باینجهت دراین دو ساله ندادند حالا این شخص که شخص پریشانی هم هست ماهی ۱۵۰ تومان ازوزارت خارجه استصوابی داشته استدعا کرده است که این استصوابی اورا باید بدهند کمیسیون دید اینشخصی است که ۴۰ سال خدمت کرده پریشان هم هست خدمت او هم خدمتی نبوده که یك ذخیره‌ای ازراه خدمت تحصیل کرده باشد باینجهت چنین صلاح دانست که ازهرجهت باو ماهی ۳۰ تومان داده شود و درصورتیکه خدمت او ملاحظه میشد ازروی قانون حقوق تقاعدهم میخواستیم باو حقوق بدهیم شاید بیش از این میشد لیکن کمیسیون نخواست حقوق استصوابی را تصدیق کند باینجهت صلاح دانست از هر جهت ماهی ۳۰ تومان باو داده شود.

وکیل التجار — بنده این شخص عریضه دهنده را ابداً نمیشناسم لیکن عرض میکنم مطالب را طوری میبینم که داریم ما کم کم راضی میشویم بیکطریقی که اشخاص بیایند مستقیماً بمجلس عریضه بدهند واز مجلس حقوق بخواهند آنچه راجع به استصوابی است که ازمحل تذکره داده میشده است در وزارت خارجه آنرا هم میدانید که سابق عمل تذکره چه حالی داشته اگر دروزارت خارجه از عمل تذکره چیزی بکسی میدادند نه ازبابت این بوده است که بمردم مواجب بدهند در مقابل خدمت بلکه بملاحظه اینبوده است که مال مردم را هم قدری با خود مردم میخوردند پس آنچه راجع باستصوابی است که قطع شده ونداده اند این یك حقی نمیشود برای آنها که حالا باید عوض داد و آنچه راجع بمواجب است اگر میگویند کم است بودجه وزارت خارجه بمجلس آمده وازمجلس خواهد گذشت دیگر اینکه عرض میکنم خدمات اینشخص در وزارت خارجه معلوم است اگر باینشخص مواجبی باید داده شود اگر مواجب درمقابل خدمت است که جزء بودجه وزارت خارجه بمجلس خواهد آمد اگر بعنوان حقوق تقاعد است آنهم باید از راه قانونیش اقدام شود یعنی

وزارت خارجه تصویب کند وبوزارت مالیه بنویسد وزارت مالیه پس از تصویب بمجلس بفرستد نه اینکه مستقیماً خودش بمجلس عریضه عرض کند ومجلس تصویب کند وحالا که شخصاً فرستاده است چون بنده او را هرچند نمی شناسم تصدیق وزارت خانه هم که در بین نیست نمی توانم تصدیق کنم ورای بدهم .

رئیس — چون استصوابی چنانچه مخبر کمیسیون گفت یك حقوقی بوده است که در مقابل لیاقت وخدمت رئیس اداره دروزارت خارجه میداده است باین جهت جزء مواجب درمقابل خدمت محسوب می‌شود دیگر چندان اشکالی ندارد .

فهیم الملک — قسمت اول فرمایشات ایشان را که بنده اولا بکلی خارج از موضوع می دانم بعلاوه اینکه فرمودند یك اساس صحیحی نداشت ومال مردم را بامردم می‌خوردند این را بکلی تکذیب می کنم بجهت اینکه همه می‌دانند آن روزی که هیچیك از وزارتخانها وادارات دولتی ترتیب صحیحی نداشت وزارت خارجه تا یك اندازه مرتب بود مخصوصاً در زمانی که مرحوم مشیرالدوله صدراعظم بوزارت خارجه داخل شد عمل تذکره مبالغ زیادی تفاوت پیدا کرد بنده تا سه سال پیش که حساب تذکره را می نوشتم اطلاع دارم وصورت صحیحی داشت اما آنچه راجع باین شخص است عرض کردم استصوابی که دروزارت خارجه داده می‌شد بیشتر تقریبا مواجب بود باین اسم داده می شد ورایورت کمیسیون را لابد ملاحظه فرموده اید این شخص چهل سال خدمت کرده هفتاد سال از عمرش رفته دویست و چهل تومان مواجب داشته و ماهی پانزده تومان باسم استصوابی این یك چیز زیادی نیست که باو داده شده باشد جدیداً همان حقوق اوست که کلیه گفته است بکمیسیون ماهی سی تومان باو داده شود

موتمن الملك — چون یك قسمت از فرمایشات آقای وکیل التجار راجع بمرحوم مشیرالدوله میشد وبنده آن را بخود گرفتم لازم می‌دانم بگویم خوب است بیائید بدفتر تذکره نظر کنید به بینید عایدات تذکره قبل از مرحوم مشیر الدوله چه بوده است و پس از آنکه ایشان بوزارت خارجه آمدند چقدر افزوده شد به بینید مفاصا حساب هست یا نه پول هائیکه در خراسان وقفقازیه گرفته می‌شد چقدر افزوده شد همین قدر عرض می کنم وقتی در پارلمان یك حرفی را میزنید خوب است از روی یك بصیرت باشد مثل سایر حرفها نباشد .

وکیل التجار — همه آقایان می دانند از سه سال قبل تا بحال چه در آن مجلس چه در این مجلس بنده در خصوص عایدات تذکره چه اصراری داشتم وچه اقدامات کردم بنده اگر در این خصوص عرضی کرده‌ام غرضم این نبود بکسی بربخورد .

اسدالله میرزا — گاهی بعضی صحبت‌ها در این پارلمان می‌شود که بعقیده بنده اگر کسی خیر پارلمان و مملکت بخواهد نباید این مذاکرات را بنماید یك مرتبه یك مذاکره می‌شود که یك جمع کثیری را بلکه تمام مردم را میرنجاند مثلا یك روز یك نفر بر میخیزد می گوید که طبقات نوکر تمام خائن بودند این حرف خوب است؟ فرضاً یکی دو نفر هم خائن بودند چطور میشود گفت تمام طبقات نوکر خائن بودند این چقدر سوء اثر دارد حالا گفته میشود که این عایدات تذکره را که مثلا بصیغه مواجب یا استصوابی میدادند این نان مردم بود که با مردم می‌خوردند این حرف‌ها صحیح نیست والله خوش نیست بالله خوش نیست اما دراین مسئله بخصوص اتفاقاً بنده این شخص را میشناسم تمام بیانات آقای فهیم الملك را تصدیق می کنم این آدم که پس از چهل سال خدمت ۷۰ سال از عمرش میگذرد جمعی عیال و اولاد دارد ماهی سی تومان بکجای او وصلت میدهد فقط یك نان خالی است برای او این قابل آنقدر مذاکره نیست شما الان میگفتید که بیست و پنج تومان برای یك تند نویس کم است چطور در حق یك آدم که چهل سال خدمت کرده این اشکالات را میکنید بعقیده بنده باید چنانچه کمیسیون با کمال اقتصاد و میانه روی تصویب کرده است تصویب کرد .

وکیل التجار — بنده عرض نکردم که این شخص استحقاق ندارد باو ندهید بنده عرض کردم این از راه قانونی باید بمجلس بیاید .

رئیس — در این خصوص مذاکرات کافی است حالا رأی می گیریم هرکس تصویب میکند بطوریکه کمیسیون بودجه تصویب کرده است ورقه سفید بیندازد .

« رأی گرفته شد »

عده حضار : ۵۴ ورقه سفید : ۲۶ ورقه کبود ۲ امتناع ۲۶ .

رئیس — این از آن رایهای بلا تکلیف است عجالة بر میگردد بکمیسیون ، موضوع مذاکرات روز هشنبه بقیه قانون قبول ونکول بروات شور ثانی امتیاز طلاشوئی عراق و راپورت کمیسیون بودجه راجع بگمرك چند دستگاه ماشین آلات که تجار آذربایجان وارد کرده‌اند . قانون محاسبات عمومی - [مجلس دو ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد .]

جلسه ۹۴
صورت مشروح مجلس یوم پنج شنبه نهم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸

مجلس سه ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مستشارالدوله منعقد شد .

معاضدالملك خلاصه مذاکرات مجلس گذشته را قرائت کردند .

فهیم الملك - پریروز شرحی آقای رئیس اینجا اظهار فرمودند که موافق راپورت کمیسیون بودجه از روزی که عده‌اش زیاد شده جلسات او کمتر شده بجهت اینکه عده کافی حاضر نمیشوند و آنها که حاضر میشوند نمی‌توانند شروع بمذاکرات نمایند وعیب بزرگی که هست این است که روزنامه رسمی نیست تا صورت حاضر وغائب را درج کنند وهمینطور در کمیسیون قوانین مالیه هم چند نفر بودند که غالباً حاضر نمی‌شدند و نمیشوند من جمله آقای دبیرالملك بودند غرض این است که در هرجلسه ۷ - ۸ نفر غائب است باین جهت کمتر ممکن است شروع در مذاکرات شود این آقایان نمی گویم طفره از حضور میزنند شاید کار دارند مثل آقای حاجی وکیل الرعایا که اغلب غائب هستند غرض این است که اینمسئله خیلی اسباب تعویق کار کمیسیونها شده است که درهر جلسه بیش از نیمساعت کار نمی‌توانند بکنند این است که قرار دادند که در هر جلسه صورت حاضر و غائب را در مجلس قرائت کنند که درصورت مجلس درج نمایند که شاید باعث شود اعضاء حاضر شوند چون بدیهی است اگر کمیسیون دوازده نفری است باید اقلا هفت نفر حاضر باشند تابتوان شروع درمذاکرات کرد و اگر ۱۸ نفری است باز باید اقلا ۱۰ نفر حاضر باشند لکن باین ترتیب اغلب کمیسیون کار نمیکنند .

(دراینموقع صورت حاضر وغائب کمیسیون بودجه راقرائت کردند واظهار داشتند آقای صدیق حضرت هم پریروز استعفاداده‌اند .)

رئیس - کمیسیون عرایض هم استعفاداده‌اند بجهت اینکه دونفر از اول ازاعضاء کمیسیون عرایض استعفا داده‌بودند وبجای آنها انتخاب نشده است وبا چهارنفر هم که نمی‌شود کار کرد و عرایض همینقسم معطل مانده است از برای اینکار گویا اداره مباشرت یکچیزی حاضر کرده است و از آنرو عمل می‌شود حالا دیگر درباب کمیسیونها حرف نمیزنیم میرویم سراصل مطلب (راپورت کمیسیون عدلیه قرائت شد راجع بماده چهارم از قانون قبول و نکول بروات که معتمدالتجار پیشنهاد کرده بود بعبارت ذیل :)

ماده ٤ — (دارنده برات خواه برات از رؤیت باشد خواه از تاریخ مختار است که قبل ازموعد برات خود را ارائه داده قبولی بنویساند یا فقط در شق ثانی تاریخ ارائه‌را نویسانده که رأس وعده درصورت عدم نکول مطالبه وجه بنماید) کمیسیون این‌راچنین اصلاح نموده‌بود .

ماده ٤ — درصورتیکه بسرات ورودی نبوده بدین معنی که برای ادای وجه مهلت قرارداده شد که خواه ازحال رؤیت وخواه ازحال تحریر دارنده برات حق دارد برات را ارائه داده قبولی بنویساند یافقط تاریخ رؤیت‌را نویسانده درسر وعده در صورت عدم نکول مطالبه وجه‌را بنماید .

رئیس - این شور ثانی است که رأی خواهیم گرفت مخالفی ندارد .

مؤتمن الملك - شورثانی ماده دوم هم گریا مانده است .

رئیس - بلی بخوانند (ماده‌دوم قرائت شد بعبارت ذیل :)

ماده ۲ — حواله گیرنده اولی میتواند باسم کسی دیگر حواله نماید ودومی بسومی وهکذا هرچند باشند دراینصورت تمامی حواله دهندگان برای قبولی بروات کفیل یکدیگرند یعنی در صورت پروتست برات لاحق بسابق خودرجوع میکند تابرسد بحواله کننده اولی اما اینکه در طرح مزبور افلاس ذکر شده ربط بقبول ونکول ندارد ودر خصوص افلاس چندین ماده باید وضع شود .

رئیس - بماده دوم رأی گرفته میشود هرکس تصویب مینماید قیام نماید

رئیس - ماده دوم باکثریت پذیرفته شد - ماده چهارم را قرائت نمایند .

(ماده چهارم - مجدداً قرائت شد که پس ازقدری مذاکره باینطور رأی گرفته شد)

رئیس - درماده ٤ باصلاح کمیسیون رأی می